

نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی در ایران و جهان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:
۱۴۰۴/۱/۲۷

شماره مسلسل: ۲۰۶۱۹
کد موضوعی: ۲۳۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی در ایران و جهان

نوع گزارش: طرح/ لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □ پیش‌نویس قانون □

نام دفتر:

مطالعات بخش عمومی (گروه سیاست‌های مالیاتی)

تهیه و تدوین کنندگان:

سیدسروش میرهاشمی، محمدحسن رسولی

مدیر مطالعه:

هادی ترابی‌فر

اظهار نظر کننده خارج از مرکز:

محمد وصال (عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف)

همکار:

مهدی قاسمی (گروه رفاه و تامین اجتماعی)

ناظران علمی:

سیدعباس پرهیزکاری، هادی ترابی‌فر، محمدسعید تجربی

گرافیک و صفحه آرایی:

سمیرا صادقی عسکری

ویراستار ادبی:

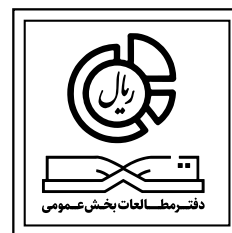
اکرم وحدانی‌فر

واژه‌های کلیدی:

۱. مالیات
۲. تولید ناخالص داخلی
۳. دولت

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۰۵/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۱۰
۲. تعریف و دسته‌بندی درآمدهای مالیاتی.....	۱۴
۳. داده‌ها.....	۱۶
۴. نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران و جهان.....	۱۹
۵. درآمدهای پایه‌های مالیاتی در ایران و جهان.....	۲۴
۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۷
منابع و مأخذ.....	۲۹

فهرست جداول

جدول ۱. دسته‌بندی پژوهش از درآمدهای مالیاتی و پایه‌های معادل در ایران و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه.....	۱۶
جدول ۲. سهم صندوق‌های بیمه عمومی از کل بیمه‌شده‌ها.....	۱۷
جدول ۳. درآمدهای پایه‌های مالیاتی در ایران.....	۱۹
جدول ۴. نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران.....	۲۰
جدول ۵. پیش‌بینی تغییرات لازم در نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی برای دستیابی به هدف‌گذاری برنامه هفتم پیشرفت...۲۴	۲۴

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. نمودار نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران و متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه.....	۲۲
شکل ۲. نمودار نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران و کشورهای جهان.....	۲۳
شکل ۳. نمودار سهم درآمدهای پایه‌های مالیاتی از مجموع درآمدهای مالیاتی در ایران و متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه.....	۲۵
شکل ۴. نمودار نسبت مطلوب درآمد هر پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و درصد تکمیل آن در ایران.....	۲۶



بیان/شرح مسئله

در اقتصاد، همه محصولات نمی‌توانند در نظام بازار به مقدار مناسبی تولید شوند. بعضی از کالاها و خدمات ویژگی‌هایی دارند که مبادله آنها را ناممکن یا لافل خیلی پیچیده می‌کند. در ادبیات اقتصادی، از این کالاها با عنوان کالاهای عمومی یاد می‌شود. در هر جامعه، دولت آن سازمانی است که کالاها و خدماتی را فراهم می‌کند که به صورت ناهماهنگ، جامعه در تولید آنها ناکام است. بنابراین، تصمیم به ایجاد دولت پیمانی آگاهانه برای افزایش سطح رضایت افراد از زندگی است. برای اداره دولت، نیاز است تا هر یک از افراد بخشی از درآمد خود را در اختیار آن قرار دهند. این پرداخت همان تعهدی است که امروزه با عنوان مالیات از آن یاد می‌شود. امروزه، دولت‌ها منابع به‌دست‌آمده از مالیات را در قانونگذاری، تنظیم‌گری، تأمین امنیت، بهداشت عمومی و آموزش پایه و... هزینه می‌کنند. با این توضیح، می‌توان دریافت که اندازه دولت در اقتصاد یکی از شاخصه‌های کلیدی رفاه در هر جامعه است. اگر دولت بیش از حد کوچک باشد، از انجام وظایفی که بر عهده دارد ناتوان است. از طرف دیگر، اگر دولت خیلی بزرگ باشد، جامعه کالاها و خدمات خصوصی را به قدر کافی تولید نخواهد کرد. از آنجاکه مالیات محل تأمین درآمدهای دولت است، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی شاخصی برای سنجش اندازه دولت در مقایسه با کل فعالیت‌های اقتصادی است.

در عین حال، تنظیم اندازه بهینه دولت به سادگی ممکن نیست و معمولاً، جوامع پس از طی دهه‌ها و انجام آزمون‌ها و خطاهای مکرر، به نسبت بهینه مالیات، به تولید تمایل پیدا می‌کنند. یکی از پرسش‌های مهم این است که اندازه بهینه دولت در اقتصاد ما چقدر است؟ برای پاسخ به این سؤال، یک راهکار مناسب استفاده از تجربه‌های جهانی است. بسیاری از کشورهای دنیا سوابق طولانی تری را نسبت به ما در دریافت مالیات توسط دولت داشته‌اند. بنابراین، الگوگیری از آنها می‌تواند دلالت‌هایی درباره سطح بهینه مالیات در اقتصاد ایران و نسبت وضع فعلی با شرایط مطلوب داشته باشد.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

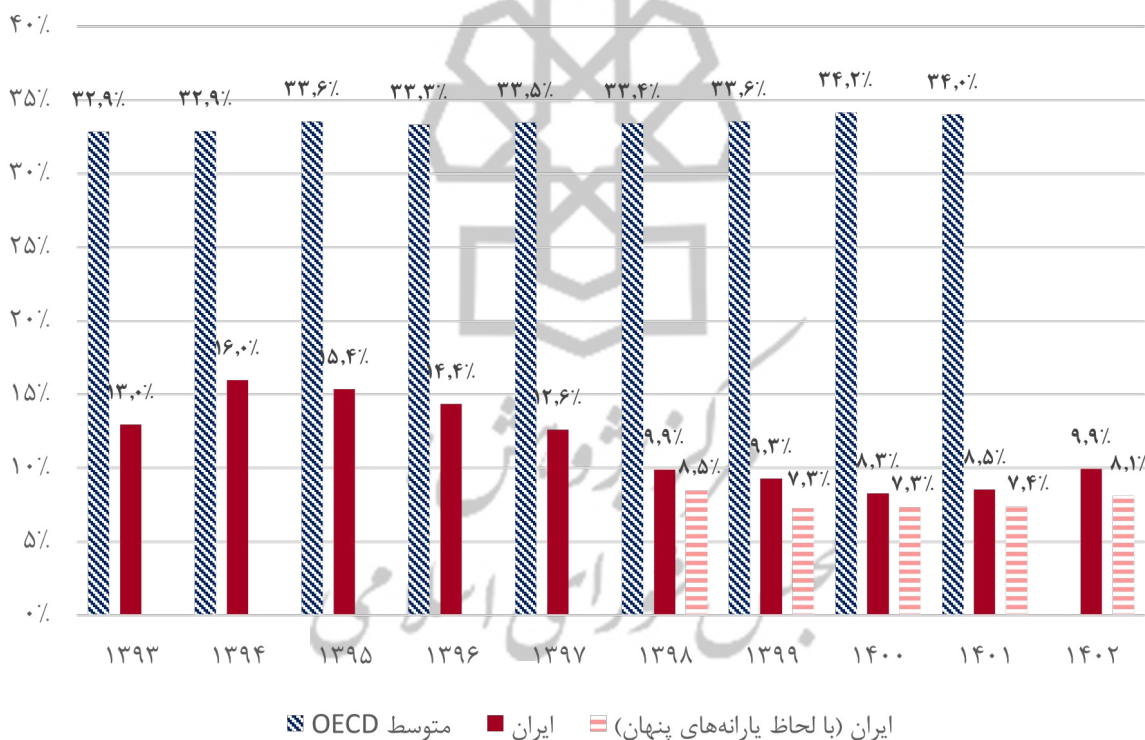
مالیات به پرداخت‌های اجباری بدون مابه‌ازا به دولت عمومی گفته می‌شود. نداشتن مابه‌ازا به این معناست که مزایایی که دولت به مالیات‌دهندگان ارائه می‌کند، به‌طور معمول متناسب با پرداخت‌های آنها نیست. با این تعریف، در ایران به‌طور عمده چهار دسته کلی از نهادها و وظیفه دریافت مالیات‌ها را دارند: ۱. سازمان امور مالیاتی کشور، ۲. بیمه‌های بازنشستگی و درمان عمومی، ۳. شهرداری‌ها، ۴. گمرک جمهوری اسلامی ایران. بنابراین، مجموع درآمدهای مالیاتی در ایران برابر جمع دریافتی‌های مالیاتی توسط این چهار دسته از نهادهاست.

با گزارش مرکز آمار ایران از تولید ناخالص داخلی، نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید در سال ۱۴۰۲ برابر ۹.۹ درصد است. با برآورد بانک مرکزی از تولید ناخالص داخلی، همین شاخص برابر ۱۳.۸ درصد است. در نهایت، با در نظر گرفتن پارانه‌های پنهان و تصحیح تولید ناخالص داخلی مرکز آمار، این شاخص به ۸.۱ درصد می‌رسد.

شکل زیر نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی را در ایران و متوسط کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود، نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی در کشور ما بسیار کوچک‌تر از این نسبت در متوسط کشورهای سازمان است. به‌طور مشخص، در سال‌های گذشته، نسبت مالیات به تولید در متوسط سازمان بیش از ۳۳ درصد بوده؛ در حالی که در ایران، این نسبت کمتر از ۱۰ درصد بوده است.^۱ در کشور ما، این نسبت حتی از مکزیک با ۱۷ درصد، کلمبیا با ۲۰ درصد، ترکیه با ۲۱ درصد و شیلی با ۲۴ درصد هم کمتر است.

۱. همان‌طور که اشاره شد، از درآمدهای مالیاتی، منظور مجموع مالیات‌ها، پرداخت‌های تأمین اجتماعی و عوارض دریافت‌شده توسط شهرداری‌هاست. به‌نهایی، مالیات‌ها معادل کمتر از ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور است.

نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی (شامل مالیات‌ها، پرداخت‌های تأمین اجتماعی و عوارض شهرداری‌ها) به تولید ناخالص داخلی در ایران و متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه

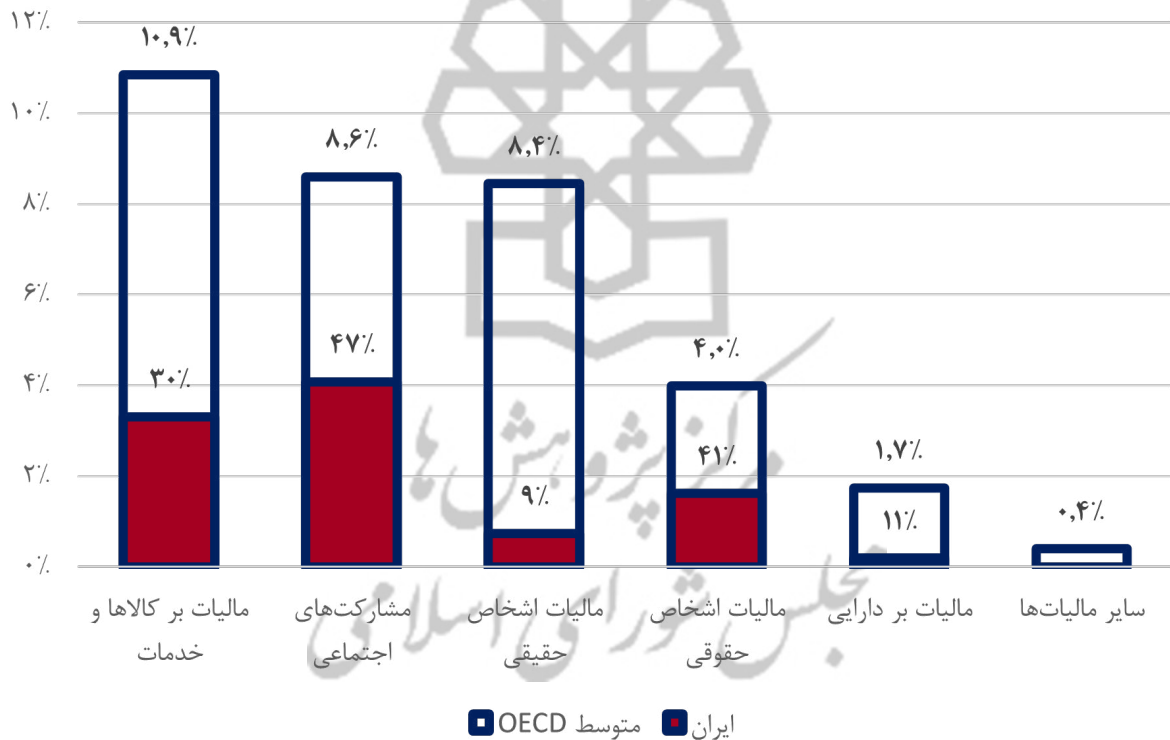


مأخذ: یافته‌های پژوهش.

همچنین، در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، نسبت مالیات به تولید در کشور ما بیش از ۱۳ درصد بوده؛ اما در ادامه و از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۰، این نسبت به‌طور پیوسته رو به کاهش بوده است. در نهایت، در دو سال گذشته، این نسبت شروع به افزایش کرده است؛ اما حتی تارسیدن به بیشینه دهه گذشته، همچنان فاصله زیادی دارد.

از طرف دیگر، می‌توان نسبت مطلوب درآمدها به تولید ناخالص داخلی را در هر پایه نزدیک به متوسط آن در بین کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه دانست. با این فرض، شکل زیر نسبت درآمد مطلوب هر پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و درصد تکمیل آن را در ایران نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود، درآمدهای به‌دست‌آمده از همه پایه‌های مالیاتی در ایران بسیار کوچک‌تر از حد مطلوب است. بیشترین مقدار تکمیل مربوط به مشارکت‌های اجتماعی با ۴۷ درصد و مالیات بر اشخاص حقوقی با ۴۱ درصد است. در مقابل، ضعیف‌ترین عملکرد به مالیات اشخاص حقیقی با ۹ درصد و مالیات بر دارایی با ۱۱ درصد برمی‌گردد. مالیات بر کالاها و خدمات با ۳۰ درصد در این بین قرار دارد.

نسبت مطلوب درآمدها بر پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و درصد تکمیل آن در ایران



مأخذ: همان.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

در ادامه، به‌عنوان توصیه سیاستی، چند محور اصلی مطرح می‌شود:

- **افزایش درآمدهای مالیاتی دولت:** توصیه اساسی پژوهش حرکت به سمت درآمدهای مالیاتی بیشتر است. در شرایطی که امروز، راه جایگزین پایداری برای تأمین درآمدهای دولت در ایران وجود ندارد، جهت‌گیری کلان‌مالية دولت باید به سمت افزایش درآمدهای مالیاتی باشد.
- **اولویت‌دهی به مالیات اشخاص حقیقی و مالیات بر دارایی:** مالیات بر اشخاص حقیقی و مالیات بر دارایی دوپایه‌ای هستند که بیشترین فاصله را با شرایط مطلوب دارند و توجه به آنها باید در اولویت باشد.
- **افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده و کاهش معافیت‌های کالاها:** در سال ۱۴۰۱، متوسط نرخ مالیات بر ارزش افزوده در بین کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه ۱۹،۲ درصد بوده است؛ در حالی که در سال ۱۴۰۲، این نرخ در کشور ما ۹ درصد تعیین شده است. افزایش نرخ این مالیات تا سطح‌های متعارف، می‌تواند با چالش کمتری درآمدهای دولت را افزایش دهد.
- **گسترش پوشش بیمه‌های اجتماعی عمومی:** برخلاف مالیات بر ارزش افزوده، نقص اصلی بیمه‌های اجتماعی در ایران نه نرخ پایین آنها، بلکه پوشش ناکافی افراد در سطح کشور است.
- **کاهش معافیت‌های اشخاص حقوقی:** درباره شرکت‌ها، تکمیل ناکافی درآمدها به‌طور عمده به معافیت‌های مالیاتی متعدد آنها برمی‌گردد. بنابراین، گام مهم در افزایش درآمدهای مالیاتی کشور سامان‌دهی معافیت‌های مالیاتی اشخاص حقوقی است.



۱. مقدمه

در هر جامعه‌ای، عمده نیازهای اقتصادی افراد معمولاً توسط خود آنها تأمین می‌شود. این کار با دو روش امکان‌پذیر است: نخست اینکه هر عضو تلاش کند تا نیازهای گوناگون خود را به تنهایی رفع کند؛ دوم اینکه هر یک از اعضا به تولید محصول مشخصی بپردازند و سپس آنها را باهم مبادله کنند. از طرفی، تولید هر کالا یا خدمت معمولاً به کسب تخصصی منحصر به فرد احتیاج دارد. در نتیجه با انتخاب روش دوم، اعضای جامعه می‌توانند تولید بیشتری انجام دهند و از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار شوند. یکی از نهادهایی که امکان انجام این مبادله را برای اعضای جامعه فراهم می‌کند، بازار است. این سازوکار نامتمرکز اعضا را با نیازها و توانایی‌های متنوع به شکلی هماهنگ می‌کند که به‌طور کلی، بیشترین منفعت را در همکاری با یکدیگر به وجود بیاورند.

با این حال، در اقتصاد همه محصولات نمی‌توانند به شکل نامتمرکز به مقدار مناسبی تولید شوند. بعضی از کالاها و خدمات ویژگی‌هایی دارند که مبادله آنها را ناممکن یا لاقط خیلی پیچیده می‌کند. برای مثال، وقتی شخصی با پرورش درخت به پاک‌سازی هوا کمک کند، دیگران هم بدون پرداخت هزینه از لذت آن بهره‌مند می‌شوند. یا اگر در جامعه‌ای امنیت فراهم باشد، سهام‌شده فردی جدید در استفاده از آن میزان برخورداری دیگران را از این نعمت کاهش نخواهد داد. در ادبیات اقتصادی، از کالاهایی که این دو ویژگی را دارند با عنوان کالاهای انحصارناپذیر^۱ و تمام‌نشده^۲ یاد می‌شود. همچنین، این کالاها به نام کالاهای عمومی^۳ شناخته می‌شوند. در نظام نامتمرکز بازار، کالاهای عمومی به اندازه مناسبی در اقتصاد تولید نمی‌شوند. به این پدیده شکست بازار^۴ گفته می‌شود.

برای رفع این مشکل، جوامع از یک نوآوری کهن به اسم «دولت» استفاده می‌کنند. در هر جامعه، دولت آن سازمانی است که کالاها و خدماتی را فراهم می‌کند که به‌صورت ناهماهنگ، جامعه در تولید آنها ناکام است. اعضای هر جامعه ذیل قانون به این توافق می‌رسند که با تشکیل بنیانی منسجم و حمایت مستمر از آن، کالاها و خدماتی را تولید کنند که برایشان مطلوب است؛ اما به خودی خود در نظام بازار خلق نمی‌شوند. بنابراین، تصمیم به ایجاد دولت پیمانی آگاهانه برای افزایش سطح رضایت افراد از زندگی است.

برای اداره دولت، نیاز است تا هر یک از افراد بخشی از درآمد یا متناظراً توان تولید خود را در اختیار آن قرار دهند. این پرداخت همان تعهدی است که امروزه با عنوان مالیات از آن یاد می‌شود. در این خصوص، هولمز، قاضی دادگاه عالی در ایالات متحده، گفته است: «مالیات قیمتی است که ما برای دستیابی به جامعه‌ای متمدن می‌پردازیم»^[۱]. امروزه، دولت‌ها منابع به‌دست‌آمده از مالیات را در قانونگذاری، تنظیم‌گری، تأمین امنیت، بهداشت عمومی و آموزش پایه و... هزینه می‌کنند. با این توضیح، می‌توان دریافت که اندازه دولت در اقتصاد یکی از شاخصه‌های کلیدی رفاه در هر جامعه است. اگر دولت بیش از حد کوچک باشد، از انجام وظایفی که برعهده دارد ناتوان است. از طرف دیگر، اگر دولت خیلی بزرگ باشد، جامعه کالاها و خدمات خصوصی را به‌قدر کافی تولید نخواهد کرد. از آنجا که مالیات محل تأمین درآمدهای دولت است، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی^۵ شاخصی برای سنجش اندازه دولت در مقایسه با کل فعالیت‌های اقتصادی است. بنابراین، متناظراً اگر مالیات بسیار کم یا زیاد باشد، می‌توان گفت اندازه دولت از حد بهینه خود در

1. Non-excludable
2. Non-rivalry
3. Public Goods
4. Market Failure

۵. برای اختصار، از این پس در پژوهش‌های گاهی از عبارت «مالیات به تولید» استفاده می‌شود.

اقتصاد فاصله دارد.

برای مثال، می‌توان این‌طور تصور کرد در جامعه‌ای، رضایت اقتصادی خانوارها تابع بر خورداری از دو موهبت است: نان و پاکیزگی شهر. نان کالایی خصوصی است که هر خانواده با درآمد خود آن را تهیه می‌کند و پاکیزگی کالایی عمومی است که با مشارکت عمده مردم شهر به دست می‌آید. همچنین، هر خانوار درآمد مشخصی دارد. علاوه بر این، دولت تعیین می‌کند که هر خانوار چه سهمی از درآمد خود را به‌عنوان مالیات بپردازد تا در پاک‌سازی شهر هزینه شود. حالا، اگر هر خانوار فقط بخش کوچکی از درآمد خود را به‌عنوان مالیات در اختیار دولت قرار دهد، آنچه در مجموع به دست دولت می‌رسد، برای نظافت شهر کافی نیست. در این شرایط، خانوارها از نان به اندازه دلخواه بهره‌مندند؛ اما تقاضای شهر پاک‌تری را دارند. در سمت دیگر، اگر دولت بخش قابل توجهی از درآمد خانوارها را به‌عنوان مالیات دریافت کند، با این منابع می‌تواند شهر تمیزی را فراهم کند؛ اما ممکن است خانوارها به گرسنگی دچار شوند! در نتیجه، تنظیم درست سهم مالیات‌ها از درآمد خانواده پیش‌نیازی برای تأمین زندگی متعادل است.

البته، ممکن است این نکته مطرح شود که منابع در دست دولت محدود به مالیات‌ها نیست. برای مثال، به‌ویژه در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی، شاید بتوان بخشی از منابع دولت را از راه فروش نفت تأمین کرد. با این حال، در پاسخ باید گفت که این روش مسیر مناسبی برای تجهیز دولت نیست. در این خصوص، می‌توان به سه دلیل اشاره کرد:

۱. درآمدهای حاصل از صادرات نفت ناپایدار است. این درآمد به تقاضای خارجی نفت، قیمت و توانایی کشور در بازاریابی آن وابسته است. در مقابل، بخش بزرگی از مخارج دولت هزینه‌های جاری و مداوم هستند. در نتیجه، گاه مصارفی برای دولت اندیشیده می‌شود که در مقابل آن، منابع مطمئنی وجود ندارد. در این شرایط، دولت‌ها به‌سمت جبران این فاصله با استفاده از منابع بانکی می‌روند که به تورم‌های بالا می‌انجامد.

۲. وابستگی به نفت کشور را در برابر شوک‌های بیرونی آسیب‌پذیر می‌کند. در روشن‌ترین مثال، دشمنان می‌توانند با دست‌اندازی در امکان صادرات نفت، اداره دولت را مختل کنند که شرایط نابسامان اقتصادی را در پی خواهد داشت.

۳. در افق دور دست، درآمدهای نفت تمام‌شدنی است و حتی با تغییر در فناوری جهانی، کاهش نیاز به نفت ممکن است زودتر از به‌انتهای رسیدن این منابع اتفاق بیفتد. بنابراین، در هر صورت، تبدیل مالیات‌ها به منابع اصلی دولت اجتناب‌ناپذیر است. در عوض، با استفاده از ظرفیت نهادی مانند صندوق توسعه ملی، باید درآمدهای نفتی را نگه‌داری و سرمایه‌گذاری کرد تا نسل‌های آینده هم از این نعمت بهره‌مند شوند.

پیش از این، به ضرورت چرخش به‌سمت مالیات به‌عنوان درآمد پایه دولت پرداخته شد. با وجود این، تنظیم اندازه بهینه دولت به‌سادگی ممکن نیست. از طرفی، نیازهای عمومی جامعه ابعاد گسترده و گاه ناشناخته‌ای دارد. از طرف دیگر، تا زمانی که در عمل محقق نشود، تخمینی از سطح کارایی دولت در دسترس نیست تا با استفاده از آن، بتوان دانست که به‌ازای چه سطحی از مالیات، چه مقدار کالاها و خدمات عمومی ارائه خواهد شد. بنابراین، معمولاً جوامع پس از طی دهه‌ها و انجام آزمون‌ها و خطاهای مکرر، به نسبت بهینه مالیات به تولید تمایل پیدا می‌کنند.

در این سال‌ها، کشور ما در حال گذار از اقتصادی با تأمین منابع دولت بر پایه نفت به سوی یک اقتصادی با دولت



مالیات محور است. در نتیجه، یکی از پرسش‌های مهم این است که نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی یا به تعبیر دیگر، اندازه بهینه دولت در اقتصاد ما چقدر خواهد بود؟ یک روش برای پاسخ به این پرسش این است که ما هم راه کشورهای پیشین را طی کنیم و با ایجاد تغییرات مالیاتی و مشاهده اثرهای آن در کشور، به سمت نسبت مالیاتی دلخواه حرکت کنیم. باین حال، این روش زمان‌بر و پرهزینه است. راه دیگر استفاده از تجربه‌های جهانی است. از آنجا که بیشتر کشورهای دنیا منابع طبیعی ندارند و برای گردش چرخ دولت، چاره‌ای جز استفاده از مالیات نداشته‌اند، بسیاری از آنها سوابق طولانی تری را نسبت به ما در دریافت مالیات توسط دولت و تنظیم ساختار مالیاتی داشته‌اند. البته بدون شک، ترجیحات فرهنگی، سطح درآمد، ساختار اجتماعی، ترتیبات نهادی و... بر نسبت مالیاتی بهینه در هر کشور مؤثرند. باین حال، اجمالاً انتظار می‌رود مردم جوامع مختلف در ترجیحات اقتصادی شباهت‌هایی داشته باشند. *از این رو، مشاهده نسبت مالیات و اندازه دولت در کشورهای با سابقه و الگوگیری از آن می‌تواند دلالت‌هایی درباره سطح بهینه مالیات در اقتصاد ایران و نسبت وضع فعلی با شرایط مطلوب داشته باشد.* باین دانسته، سیاستگذار به چراغ راهی مجهز می‌شود که مسیر را برای گام‌های اصلاحی لازم تا حدی روشن می‌کند.

تا اینجا، این بحث مطرح شد که چرا امروز داشتن برآوردی کلی از نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران و مقایسه آن با دیگر کشورهای جهان مسئله‌ای کلیدی است. باین حال، مقایسه مالیات در ایران با دیگر کشورهای جهان چندان سراسر نیست. همان طور که در ادامه خواهیم دید، بنا به تعریف سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ (از این پس گاهی سازمان)، مالیات عبارت است از هر نوع پرداخت اجباری که در مقابل آن، الزاماً خدمت مشخصی برای جبران ارائه نمی‌شود. باین معیار، بسیاری از پرداختی‌های مردم برای بیمه‌ها، مجوزها، خدمات محلی و... در دسته مالیات‌ها قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، خیلی از کشورها حساب‌های مالی دولت‌های خود را با استانداردهای مشخصی گزارش می‌کنند؛ اما درباره ایران، این سامان دهی تا به حال انجام نشده است. باین توصیف، بخشی از مشارکت این پژوهش یکپارچه‌سازی همه درآمدهای مالیاتی دولت در ایران است.

در سمت دیگر، همه انواع درآمدهای مالیاتی یکسان نیستند. چه در ایران و چه در جهان، بخشی از مالیات‌ها به صورت مستقیم از درآمدهای افراد گرفته می‌شود؛ بعضی از آنها به شکل حق بیمه دریافت می‌شود؛ بخشی از آن بر روی مبادله‌های کالاها و خدمات اعمال می‌شود و... از دیدگاه اقتصادی، هر کدام از اجزای مالیاتی تأثیر متفاوتی بر عملکرد اقتصاد دارند. برای مثال، اتکای مالیات‌ها بر درآمد افراد ممکن است انگیزه آنها را برای فعالیت اقتصادی بیشتر مختل کند؛ در حالی که مالیات بر کالاها و خدمات ممکن است انگیزه را برای پس‌انداز در برابر مصرف تقویت کند. بنابراین، سطح دیگری از مقایسه به بررسی وضعیت درآمدی پایه‌های مالیاتی مختلف بر می‌گردد. مشابه استدلال پیشین، استفاده از تجربه کشورها در انتخاب ترکیب بهینه‌ای از پایه‌های مالیاتی کمک مهمی به طراحی ساختار مالیاتی کشورمان خواهد کرد. همان طور که در ادامه خواهیم دید، دسته‌بندی مالیات‌ها در ایران و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تفاوت‌هایی جزئی با هم دارند. باین توضیح، بخش دیگری از مشارکت این پژوهش مقایسه درآمدهای مالیاتی متنوع دولت ایران و کشورهای عضو سازمان به تفکیک پایه‌های مالیاتی است. باین هدف، ابتدا دسته‌بندی جدید و ساده‌ای پیشنهاد شده و بعد، دسته‌بندی

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

مالیات‌ها در ایران و سازمان با آن منطبق می‌شود.

با تعریفی که از مالیات گفته شد، در ایران به‌طور عمده چهار دسته کلی از نهادها متولی دریافت درآمدهای دولت هستند:

۱. سازمان امور مالیاتی کشور که درآمدهای دولت مرکزی را جمع می‌کند؛

۲. صندوق‌های بازنشستگی که مشارکت‌های اجتماعی را وصول می‌کنند؛

۳. شهرداری‌ها که عوارض عمومی را جمع‌آوری می‌کنند؛

۴. گمرک جمهوری اسلامی ایران که مالیات بر واردات را دریافت می‌کند.

در نتیجه، مالیات‌ها در ایران شامل جمع دریافتی‌های این چهار دسته نهاد عمومی است.

با انجام محاسبه‌ها، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در ایران در سال ۱۴۰۲ برابر ۹۰۹ درصد برآورد می‌شود.^۱ این در حالی است که برای متوسط کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۴۰۱، همین نسبت به ۳۴۰ درصد می‌رسد. در نتیجه، با رعایت ملاحظات بیان شده به نظر می‌رسد درآمدهای مالیاتی در ایران بسیار کمتر از سطح بهینه است. بنابراین، یک دلالت مهم این است که برای دستیابی شهروندان ایرانی به رفاه بالاتر، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی باید افزایش قابل توجهی پیدا کند. همچنین، هر چند نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در چهار سال گذشته روند صعودی داشته، اما محاسبات نشان می‌دهد در بازه سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ این مقدار بیش از ۱۳۰ درصد بوده است.

در سمت دیگر، مشارکت‌های اجتماعی - یعنی پرداختی‌های اجباری به بیمه‌های بازنشستگی و درمان - بیشترین سهم را در بین مالیات‌ها در ایران دارند. در سمت مقابل، در متوسط کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، این مالیات بر کالاها و خدمات است که نقش پررنگ‌تری دارد. با این حال، روشن‌ترین اختلاف درباره مالیات اشخاص حقیقی به چشم می‌خورد. در حالی که در کشورهای سازمان، این پایه مالیاتی سهمی ۲۵ درصدی را از مجموع درآمدهای مالیاتی دارد، در ایران فقط ۷ درصد از درآمدها از این پایه محقق می‌شود. اگر با استفاده از شاخص مالیات به تولید ناخالص داخلی عملکرد هر کدام از پایه‌های مالیاتی را با متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مقایسه کنیم، درآمد حاصل از هیچ کدام از پایه‌های مالیاتی حتی به نیمی از مقدار مطلوب (نسبت متوسط در بین کشورهای سازمان) هم نمی‌رسد. در این بین، مشارکت‌های اجتماعی و مالیات بر اشخاص حقوقی با تکمیل ۴۷ درصد و ۴۱ درصد از مقدار مطلوب بهترین عملکرد و مالیات اشخاص حقیقی با تکمیل ۹ درصد و مالیات بر دارایی با ۱۱ درصد بیشترین عقب‌افتادگی را نسبت به دیگر پایه‌ها دارد.

ساختار پژوهش در ادامه به این صورت است: در بخش ۲، ابتدا تعریف مالیات‌ها با معیار سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه بیان می‌شود. سپس، دسته‌بندی جدیدی ارائه شده است که مالیات‌ها را در ایران و سازمان متناظر می‌کند. در بخش ۳، داده‌های استفاده شده برای محاسبه درآمدهای مالیاتی در ایران معرفی می‌شوند. در بخش ۴، نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران برآورد و با جهان مقایسه می‌شود. در بخش ۵، وضعیت درآمدی پایه‌های مختلف در ایران با در نظر داشتن نسبت متوسط آنها در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تحلیل خواهند شد. در نهایت، در بخش ۶، موضوعات جمع‌بندی می‌شوند.

۱. همان‌طور که اشاره شد، از درآمدهای مالیاتی، منظور مجموع مالیات‌ها، پرداخت‌های تأمین اجتماعی و عوارض دریافت‌شده توسط شهرداری‌ها است. به‌تنهایی، مالیات‌ها معادل کمتر از ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور است.



۲. تعریف و دسته‌بندی درآمدهای مالیاتی



در این بخش، ابتدا تعریف مالیات را مرور می‌کنیم و بعد، با توجه به آن، دسته‌بندی مالیات‌ها را در ایران توضیح می‌دهیم. امروز نهادهای بین‌المللی به تعریف نسبتاً مشترکی از مالیات‌ها دست پیدا کرده‌اند. در نسخه سال ۲۰۰۸ نظام حساب‌های ملی،^۱ پنج نهاد کمیسیون اروپا،^۲ صندوق بین‌المللی پول،^۳ سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، سازمان ملل^۴ و بانک جهانی^۵ از مالیات‌ها به‌عنوان «پرداخت‌های اجباری، بدون مابه‌ازا^۶ و نقدی یا کالایی توسط واحدهای نهادی^۷ به واحدهای حاکمیتی» یاد کرده‌اند [۲]. همچنین، در سند آمارهای مالی دولت، صندوق بین‌المللی پول هم تعریف خود را از مالیات‌ها بر همین پایه بنا کرده است [۳]. در نمونه‌ای دیگر، بانک جهانی پرداخت‌های اجباری به دولت مرکزی^۸ را به‌عنوان مالیات شناسایی کرده است [۴].

باین حال، در این گزارش، از تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای مالیات‌ها و همچنین داده‌های همین سازمان استفاده شده که با توجه به مبنای مشترک، تعریف سازمان هم به معیار نظام حساب‌های ملی نزدیک است. این انتخاب به سه دلیل انجام شده است:

۱. تعریف‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تا حد مناسبی دقیق، روشن و جامع است؛ بنابراین، مبتنی بر آنها می‌توان مالیات‌ها را در ایران شناسایی و دسته‌بندی کرد. این تعریف‌ها توسط سازمان در سندی با عنوان «آمارهای درآمدی، راهنمای تفسیری» منتشر می‌شود [۵].
۲. علاوه بر تعریف‌ها، سازمان داده‌های درآمدی دولت‌های کشورهای عضو را هم سالانه جمع‌آوری و در یک پایگاه برخط منتشر می‌کند [۶]. به این صورت، می‌توان اطمینان داشت که داده‌های کشورهای مختلف بر پایه تعریف‌های مشترکی گردآوری می‌شوند؛ در نتیجه، مقایسه بین کشورها از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. ۳. اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه عمدتاً از کشورهای توسعه‌یافته هستند که در حکمرانی و تنظیم‌گری اقتصادی تلاش بیشتری کرده‌اند؛ نه کشورهایی که در نهادسازی و خط‌مشی‌گذاری، همچنان دچار ضعف هستند. بنابراین، خصوصاً در زمینه گستره بهینه دولت، استفاده از تجربه‌های این کشورها می‌تواند راهنمای ارزشمندی در جهت‌دهی به سیاست‌های کلان اقتصادی کشور ما داشته باشد.

طبق تعریف سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، مالیات به پرداخت‌های اجباری بدون مابه‌ازا^۹ به دولت عمومی^{۱۰} یا یک مقام فراملی گفته می‌شود [۵]. نداشتن مابه‌ازا به این معناست که مزایایی که دولت به مالیات‌دهندگان ارائه می‌کند، به‌طور معمول متناسب با پرداخت‌های آنها نیست. همچنین، مالیات شامل جریمه‌ها و وام‌های اجباری به دولت‌ها نمی‌شود. دولت عمومی از دولت مرکزی، دستگاه‌هایی که دولت بر آنها مدیریت کارا دارد، دولت‌های استانی یا محلی، بعضی طرح‌های تأمین اجتماعی و نهادهای دولتی خودمختار تشکیل شده، اما شامل شرکت‌های دولتی نیست.

بنا به تعریف، علاوه بر پایه‌های مالیاتی متداول، پرداختی‌هایی از جمله مشارکت‌های تأمین اجتماعی^{۱۱} اجباری به نهادهای عمومی، هزینه‌ها، عوارض کاربری و مجوزها^{۱۲} هم در دسته مالیات‌ها قرار می‌گیرند. البته، با توجه به معیار، برای اینکه پرداختی به‌عنوان مالیات شناخته شود، نباید پیوند محکمی با خدمات ارائه شده داشته باشد. این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از حالت‌های زیر برقرار باشد:

1. System of National Accounts (SNA)
2. European Commission (EC)
3. International Monetary Fund (IMF)
4. United Nations (UN)
5. World Bank (WB)

۶. درباره این قید، در ادامه توضیح داده می‌شود.

۷. از واحد نهادی، منظور هر شخصی است که می‌تواند در فعالیت اقتصادی نقش ایفا کند.

۸. البته، با توجه به عبارت «مرکزی»، در این شاخص، پرداخت‌ها به دولت‌های محلی و مشارکت‌های اجتماعی کنار گذاشته شده است.

9. General Government
10. Social Security Contributions
11. Fees, User Charges and Licence Fees

- پرداخت‌ها بسیار بزرگ‌تر از هزینه ارائه خدمت باشد.
 - پرداخت‌کننده مالیات همان دریافت‌کننده مزایا نباشد.
 - در ازای دریافت هزینه، دولت خدمتی ارائه نکند؛ هر چند ممکن است یک گواهی منتشر کند.
 - هر چند مزایا فقط توسط پرداخت‌کننده‌های مالیات دریافت شود، اما منافع دریافت شده توسط هر فرد الزاماً متناسب با پرداختی او نباشد.
 - پرداخت‌کننده مالیات نتواند موقعی که قصد استفاده از خدمات را ندارد، از پرداخت مالیات اجتناب کند.
- برای مثال، هزینه‌های دریافت مجوز شکار یک درآمد مالیاتی است؛ چون در ازای آن، دولت خدمتی ارائه نمی‌کند. در مقابل، هزینه صدور گذرنامه درآمد غیرمالیاتی محسوب می‌شود؛ چرا که صرف انجام خدمت اداری و چاپ مدرک می‌شود. به جز این، حق امتیازها^۱ مالیات نیستند؛ بلکه به‌عنوان اجاره حق بهره‌برداری از منابع دولتی در نظر گرفته می‌شوند. در نهایت، جریمه‌ها و مجازات‌ها^۲ بر دیرکرد پرداخت مالیات‌ها یا بر تلاش برای فرار مالیاتی در دسته مالیات‌ها قرار نمی‌گیرند. توضیحات بیشتر در [۵] قابل بررسی است.

۱. سازمان امور مالیاتی کشور که دریافت‌کننده بخش اصلی مالیات‌هاست؛

۲. بیمه‌های بازنشستگی و درمان عمومی که مشارکت‌های اجتماعی را جمع‌آوری می‌کنند؛

۳. شهرداری‌ها که عوارض عمومی را دریافت می‌کنند؛

۴. گمرک جمهوری اسلامی ایران که مالیات بر واردات را دریافت می‌کند.

بنابراین، مجموع درآمدهای مالیاتی در ایران برابر جمع دریافتی‌های مالیاتی توسط این چهار دسته از نهادهاست.

تا این قسمت از این بخش، تعریف کلی درآمدهای مالیاتی ارائه شد. با این حال، در ادامه، این پژوهش نه فقط مجموع درآمدهای مالیاتی، بلکه درآمدهای پایه‌های مالیاتی را به تفکیک در ایران با کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مقایسه می‌کند. در نتیجه، نیاز است تا دسته‌بندی یکسانی از انواع پایه‌های مالیاتی بین ایران و سازمان شکل بگیرد.

از طرفی، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه درآمدها را به مالیات بر درآمدها، سودها و عایدی‌های سرمایه (۱۰۰۰)، مشارکت‌های تأمین اجتماعی (۲۰۰۰)، مالیات بر نیروی کار (۳۰۰۰)، مالیات بر دارایی (۴۰۰۰)، مالیات بر کالاها و خدمات (۵۰۰۰) و دیگر مالیات‌ها (۶۰۰۰) افزایش می‌کند. با این حال، به هدف مقایسه، این دسته‌بندی به اندازه کافی گویا نیست؛ زیرا برای مثال، در این دسته‌بندی، مالیات‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در دسته‌های جداگانه‌ای قرار ندارند؛ در حالی که بزرگی و ترکیب نسبی مالیات‌ها در این دو دسته دلالت‌های مهمی از نگاه اقتصادی دارد. برای حل این مشکل، دسته‌بندی تازه‌ای در جدول ۱ ارائه شده است. ستون یکم این جدول دسته‌بندی پژوهش را از درآمدهای مالیاتی معرفی می‌کند. این دسته‌ها شامل مالیات اشخاص حقیقی، مالیات اشخاص حقوقی، مشارکت‌های اجتماعی، مالیات بر دارایی، مالیات بر کالاها و خدمات و سایر مالیات‌هاست. ستون دوم پایه‌های معادل هر دسته را در طبقه‌بندی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است، این بار مالیات بر درآمد افراد و شرکت‌ها از یکدیگر تفکیک شده است. ستون سوم جدول پایه‌های معادل را در دسته‌بندی کشور ما نشان می‌دهد. در ایران، مالیات اشخاص حقیقی به مالیات بر درآمدها محدود می‌شود. به جز این، مالیات بر دارایی‌ها شامل مالیات بر ثروت و مالیات بر عوارض نوسازی و خودرو است. در نهایت، مالیات بر کالاها و خدمات علاوه بر همین پایه، بنا به تعریف شامل مالیات بر واردات و سایر عوارض عمومی هم هست. در آخر، ستون چهارم جدول نشان می‌دهد که در کشور ما، کدام نهادها دریافت‌کننده هر نوع از مالیات‌ها هستند. همان‌طور که دیده می‌شود، سازمان امور مالیاتی کشور دریافت‌کننده مالیات بر درآمدها، مالیات اشخاص حقوقی، مالیات بر ثروت و مالیات بر کالاها و خدمات است. به جز این، صندوق‌ها بیمه عمومی دریافت‌کننده مشارکت‌های اجتماعی، شهرداری‌ها دریافت‌کننده عوارض و گمرک دریافت‌کننده مالیات بر واردات است.

1. Royalties

2. Fines and Penalties

۳. با این حال، مرجع استفاده‌شده اشاره می‌کند زمانی که درآمدها از جریمه‌ها قابل تفکیک نیست، جمع این دو مقدار گزارش می‌شود که درباره داده‌های ایران، همین شرایط برقرار است.

۴. اعداد داخل کمانک متناظر راهنمای تفسیری آمارهای درآمدی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه هستند [۵].



جدول ۱. دسته‌بندی پژوهش از درآمدهای مالیاتی و پایه‌های معادل در ایران و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه

دسته‌بندی پژوهش	پایه‌های معادل در دسته‌بندی OECD	پایه‌های معادل در دسته‌بندی ایران	دریافت‌کننده مالیات در ایران
مالیات اشخاص حقیقی	مالیات بر درآمد افراد (۱۱۰۰)	مالیات بر درآمدها	سازمان امور مالیاتی کشور
	مالیات بر نیروی کار (۳۰۰۰)		
مالیات اشخاص حقوقی	مالیات بر شرکت‌ها (۱۲۰۰)	مالیات اشخاص حقوقی	سازمان امور مالیاتی کشور
مشارکت‌های اجتماعی	مشارکت‌های تأمین اجتماعی (۲۰۰۰)	مشارکت‌های اجتماعی	صندوق‌های بیمه عمومی
مالیات بر دارایی	مالیات بر دارایی (۴۰۰۰)	مالیات بر ثروت	سازمان امور مالیاتی کشور
		عوارض نوسازی و خودرو	سازمان شهر داری‌ها و دهیاری‌های کشور
مالیات بر کالاها و خدمات	مالیات بر کالاها و خدمات (۵۰۰۰)	مالیات بر کالاها و خدمات	سازمان امور مالیاتی کشور
		سایر عوارض عمومی	سازمان شهر داری‌ها و دهیاری‌های کشور
		مالیات بر واردات	گمرک جمهوری اسلامی ایران
سایر مالیات‌ها	سایر مالیات بر درآمدها (۱۳۰۰)	-	-
	دیگر مالیات‌ها (۶۰۰۰)	-	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: در ستون دوم، اعداد داخل کمانک متناظر دسته‌بندی راهنمای تفسیری آمارهای درآمدی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه هستند [۵].

در بخش بعد، منبع داده هر یک از پایه‌های مالیاتی معرفی خواهند شد.

۳. داده‌ها

در این بخش، منبع داده‌های درآمدی هر یک از دریافت‌کننده‌های مالیات در ایران معرفی می‌شوند. اگر در هر مرحله از برآوردی استفاده شده باشد، در مورد روش آن هم توضیحاتی داده خواهد شد. در این پژوهش، درآمدهای مالیاتی کشور ما در ۱۰ سال گذشته (۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲) مورد بررسی قرار گرفته است.

۱ سازمان امور مالیاتی کشور: داده‌های عملکرد آن دسته از پایه‌های مالیاتی، که سازمان امور مالیاتی کشور دریافت‌کننده آنهاست، به صورت ماهیانه در سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی مالیاتی این سازمان منتشر می‌شود [۷].

۲ صندوق‌های بیمه عمومی: در کشور ما، مشارکت‌های اجتماعی توسط هجده صندوق پوشش داده می‌شوند [۸]. هر چند اطلاعات درآمدی مربوط به همه صندوق‌ها در دسترس نیست، سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگ‌ترین صندوق بیمه عمومی در کشور، سالیانه داده‌های درآمدی و هزینه‌ای خود را منتشر می‌کند. با توجه به سالنامه‌های آماری سازمان تأمین اجتماعی، منابع درآمدی این سازمان به بخش‌های زیر تفکیک می‌شوند [۹] و [۱۰]:

- حق بیمه وصولی از کارگاه‌ها؛
- حق بیمه وصولی از صاحبان حرف و مشاغل آزاد و بیمه اختیاری؛

- حق بیمه وصولی از رانندگان حمل‌ونقل بار و مسافری شهری (ماده (۷) قانون تأمین اجتماعی)؛
- حق سرانه بیمه‌شدگان حرف و مشاغل آزاد؛
- ۵۰ درصد کسورات سهم کارفرما (ماده (۱۰) قانون نوسازی)؛
- حق بیمه و مستمری سهم دولت؛
- سایر؛
- پورسانت‌ها و واگذاری به کارفرمایان.^۱

با توجه به تعریف مالیات، از بین پایه‌های بالا، ردیف‌های حق بیمه وصولی از کارگاه‌ها، حق بیمه وصولی از رانندگان حمل‌ونقل بار و مسافری شهری (ماده (۷) قانون تأمین اجتماعی)، درصد کسورات سهم کارفرما (ماده (۱۰) قانون نوسازی)، حق بیمه و مستمری سهم دولت و سایر به‌عنوان مالیات در نظر گرفته می‌شوند. از آنجا که بیمه مشاغل آزاد اختیاری است، این ردیف و سهم دولت در پرداخت آن در تعریف مالیات نمی‌گنجد.^۲ با هدف برآورد مشارکت‌های اجتماعی در ایران، منابع سازمان تأمین اجتماعی در پنج پایه باقی‌مانده باهم جمع می‌شوند. برای سال ۱۴۰۲، این منابع به ۷۰۲ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

از سمت دیگر، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی تعداد بیمه‌شده‌های هر یک از صندوق‌های بیمه عمومی را ثبت کرده که در جدول ۲ نمایش داده شده است [۸]. با توجه به این جدول، نزدیک به ۸۳ درصد از کل بیمه‌شده‌ها در ایران تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی هستند. با فرض یکسان بودن متوسط سرانه دریافتی دیگر صندوق‌ها از اعضای خود با سازمان تأمین اجتماعی، می‌توان کل منابع مالیاتی صندوق‌ها را برآورد کرد. البته، از بین صندوق‌های اشاره شده در جدول، «بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر» بیمه اجباری نیست؛ در نتیجه، سهم این صندوق از بیمه‌شده‌ها کنار گذاشته می‌شود. با این توضیح، مجموع مالیات‌های دریافتی توسط صندوق‌های بیمه عمومی در سال‌های مورد بررسی تخمین زده می‌شود. برای سال ۱۴۰۲، این مقدار برابر ۷۹۱ هزار میلیارد تومان است.^۳

جدول ۲. سهم صندوق‌های بیمه عمومی از کل بیمه‌شده‌ها [۸]

سهم از کل بیمه‌شده‌ها (درصد)	بیمه‌شده‌ها (میلیون نفر)	صندوق یا سازمان
۸۲٫۹	۱۴۰٫۴	تأمین اجتماعی
۶٫۷	۱۰٫۲	بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر
۴٫۹	۰٫۸	بازنشستگی کشوری
۳٫۴	۰٫۶	بازنشستگی نیروهای مسلح
۲٫۱	۰٫۴	دیگر
۱۰۰٫۰	۱۷۰٫۳	جمع

۱. با توجه به ماده (۹) قانون تأمین اجتماعی، بعضی کارفرماها می‌توانند تعهدات درمانی و قانونی مربوط به کمک‌های کوتاه‌مدت مانند غرامت دستمزد، کمک بارداری، کمک ازدواج، هزینه پروتز و... کارکنان خود را برعهده بگیرند و در ازای آن، حق بیمه متناظر این خدمات‌ها از کارفرما دریافت نمی‌شود. با این حال، از آنجا که این هزینه هم اجباری است، به‌عنوان مالیات محاسبه می‌شود.

۲. این بیمه مربوط به آن دسته از کارکنانی است که کارفرما ندارند. برای مثال، فردی که مالک و مدیر یک فروشگاه است، کارکنان خود را باید الزاماً بیمه کند و این حق بیمه در دسته یکم (حق بیمه وصولی از کارگاه‌ها) قرار می‌گیرد که اجباری است. اما این فرد موظف نیست خودش را بیمه کند و اگر این کار را انجام داد، این حق بیمه در دسته وصولی از صاحبان حرف و مشاغل آزاد قرار می‌گیرد که اختیاری است.

۳. آن‌چه سازمان تأمین اجتماعی از بیمه‌پردازها دریافت می‌کند هم شامل حق بیمه‌ی بازنشستگی است و هم حق بیمه‌ی درمانی. در این صورت، زمانی که حق بیمه پرداختی سرانه بیمه‌شده‌های تأمین اجتماعی به همه‌ی بیمه‌پردازها تعمیم داده می‌شود، در این محاسبه، به جز منابع بیمه‌ی بازنشستگی، منابع بیمه‌ی درمانی هم لحاظ می‌شود. برای مثال، صندوق بازنشستگی کشوری حق بیمه‌ی به‌عنوان بیمه درمانی دریافت نمی‌کند و در مقابل، کارمندان دولت این حق بیمه را به سازمان بیمه سلامت ایران می‌پردازند. با این حال، با محاسبه به شیوه گفته‌شده، حق بیمه دریافتی توسط سازمان بیمه سلامت ایران هم بخشی از برآورد کل خواهد بود.

۳ **شهرداری‌ها:** مشابه بودجه عمومی کشور، منابع شهرداری‌ها به سه بخش درآمدها، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی تقسیم می‌شود. از این بخش‌ها، فقط قسمتی از بخش درآمدها با تعریف مالیات‌ها سازگار است. در سال ۱۴۰۲، درآمدها شامل ۷۹ درصد از منابع شهرداری‌های کشور می‌شود. با توجه به سامانه شفافیت شهرداری تهران، درآمدهای شهرداری‌ها به دسته‌های زیر افراز می‌شود [۱۱]:

- درآمدهای ناشی از عوارض عمومی،
- درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی،
- بهای خدمات و مؤسسات انتفاعی شهرداری،
- درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری‌ها،
- کمک‌های اعطایی دولت و سازمان‌های دولتی،
- اعانات، کمک‌های اعطایی و دارایی‌ها.

از بین این ردیف‌ها، تنها ردیف درآمدهای ناشی از عوارض عمومی معادل درآمدهای مالیاتی است. در سال ۱۴۰۲، ۹۶ درصد از درآمدهای شهرداری تهران به عوارض عمومی اختصاص دارد.^۱ همچنین، با توجه به تعریف‌ها از پایه‌ها، عوارض نوسازی و خودرو در دسته مالیات بر ثروت قرار می‌گیرند؛ در حالی که سایر عوارض عمومی در دسته مالیات بر کالاها و خدمات طبقه‌بندی می‌شوند. البته، در سال ۱۴۰۲، عوارض نوسازی و خودرو سهمی ۲ درصدی از عوارض عمومی را دارد و ۹۸ درصد باقی‌مانده به سایر عوارض عمومی برمی‌گردد.

برای شهر تهران، داده‌های درآمدی از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ در سامانه شفافیت شهرداری تهران در دسترس است. برای دیگر شهرها (که در برخی سال‌ها شامل تهران می‌شود)، یک بار برای سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ (دوره ۱) و بار دیگر برای سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ (دوره ۲)، داده‌ها از وزارت کشور دریافت شده است. البته، برای شهرهایی به جز تهران، جزئیات تفکیک درآمدها در سطح سامانه شفافیت شهرداری تهران در دسترس نیست. برای سال‌های دوره ۲، درآمدها در دسترس است، اما برای دوره ۱ تنها مجموع منابع گزارش شده است. در نتیجه، برای دوره ۱، درآمدهای شهرداری‌ها با در نظر داشتن متوسط سهم درآمدها از منابع در سه سال انتهایی دوره ۲ برآورد شده است. پس از آن، برای هر دو دوره، سهم عوارض عمومی از درآمدها و همچنین تفکیک آن به مالیات بر ثروت و مالیات بر کالاها و خدمات با لحاظ متوسط سه سال انتهایی در شهرداری تهران به دست آمده است. در نهایت، این دو بخش از مالیات‌های شهرداری‌ها در تهران و دیگر شهرها با هم جمع می‌شود تا کل مالیات‌های دریافتی توسط شهرداری‌های کشور محاسبه شود.

۴ **گمرک جمهوری اسلامی ایران:** علاوه بر پایه‌های مالیاتی مربوط به سازمان امور مالیاتی کشور، این سازمان اطلاعات مربوط به مالیات بر واردات را هم برای سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ منتشر کرده است. برای سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ هم عملکرد مالیات بر واردات از گزارش‌های سازمان امور مالیاتی به دست آمده است؛ با این تفاوت که برای این سال‌ها، این اعداد به صورت عمومی منتشر نشده‌اند.

در نهایت، با گردآوری داده‌ها از منابع گفته شده، درآمدهای مربوط به پایه‌های مالیاتی مختلف در ایران در جدول ۳ نمایش داده شده است. همان‌طور که مشخص است، مجموع درآمدهای مالیاتی در کشور ما در سال ۱۴۰۲ به ۱۹۲۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد. در بخش بعد، با استفاده از این داده، نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران با کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مقایسه می‌شود.

۱. بنا به بند «الف» ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰، بخشی از مالیات بر ارزش افزوده به حساب شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و... استان محل وصول این مالیات واریز می‌شود. این مالیات هم در دسته عوارض عمومی شهرداری‌ها قرار می‌گیرد.

جدول ۳. درآمدهای پایه‌های مالیاتی در ایران (هزار میلیارد تومان)

پایه مالیاتی											
۱۴۰۲	۱۴۰۱	۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳		
۱۴۲	۸۵	۵۷	۳۷	۲۹	۱۹	۱۵	۱۵	۱۲	۹	مالیات بر درآمدها	مالیات اشخاص حقیقی
۳۱۳	۱۹۰	۱۱۷	۵۹	۴۲	۴۲	۳۷	۳۲	۲۸	۲۴	مالیات اشخاص حقوقی	مالیات اشخاص حقوقی
۷۹۱	۵۵۸	۳۵۵	۲۵۳	۱۴۸	۱۶۲	۱۰۴	۹۲	۸۳	۶۰	مشارکت‌های اجتماعی	مشارکت‌های اجتماعی
۲۹	۱۹	۱۴	۲۳	۸	۴	۳	۳	۲	۳	مالیات بر ثروت	مالیات بر دارایی
۸	۵	۴	۳	۳	۲	۱	۱	۱	۱	عوارض نوسازی و خودرو	
۳۲۲	۱۷۸	۱۱۷	۷۲	۵۸	۴۵	۴۲	۳۴	۲۵	۲۲	مالیات بر کالاها و خدمات	مالیات بر کالاها و خدمات
۲۳۰	۱۳۰	۸۰	۴۴	۴۲	۳۶	۳۲	۳۳	۳۲	۳۱	سایر عوارض عمومی	
۹۰	۵۰	۲۵	۱۸	۲۰	۱۹	۲۳	۱۸	۱۲	۱۳	مالیات بر واردات	
۱,۹۲۴	۱,۲۱۶	۷۷۰	۵۰۹	۳۵۱	۳۲۸	۲۵۸	۲۲۹	۱۹۵	۱۶۳	مجموع درآمدهای مالیاتی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: مشارکت‌های اجتماعی با استفاده از منابع سازمان تأمین اجتماعی و نسبت آن با دیگر صندوق‌های عمومی برآورد شده است. عوارض نوسازی و خودرو و سایر عوارض عمومی درآمدهای دریافت شده توسط شهرداری‌های کشور است که با استفاده از داده‌های شهرداری‌ها در کنار نسبت‌های منابع، درآمدها و عوارض عمومی شهرداری تهران برآورد شده است.

۴. نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران و جهان

در این بخش، نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران با جهان مقایسه می‌شود. از این رو، ابتدا این نسبت برای ایران محاسبه و در جدول ۴ گزارش می‌شود. در بخش پیش، مجموع درآمدهای مالیاتی در ۱۰ سال گذشته به دست آمد که در سطر یکم جدول ۴ نشان داده شده است. در کشور ما، تولید ناخالص داخلی به‌طور جداگانه توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اندازه‌گیری و منتشر می‌شود [۱۲] و [۱۳]. این دو مقدار برای سال‌های مورد بررسی در سطرهای دوم و سوم آورده شده‌اند. البته، در این پژوهش، برآورد مرکز آمار ایران به‌عنوان شاخص اصلی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی، عموماً این مرکز به‌عنوان مرجع اصلی در اعلام داده‌های کشور مدنظر قرار داده می‌شود.

یکی از مسئله‌هایی که به‌طور ویژه در اقتصاد ایران پررنگ است، ابعاد گسترده یارانه‌های پنهان است. وجود این یارانه‌ها می‌تواند باعث کم‌برآوردی در تولید ناخالص داخلی شود. برای مثال، زمانی که دولت قیمت یک لیتر بنزین را سه هزار تومان تعیین می‌کند، تولید هر واحد از این کالا به اندازه همین مقدار به شاخص تولید ناخالص داخلی در ایران اضافه می‌کند. در مقابل، در کشوری که قیمت بنزین در آن آزاد است، تولید یک



لیتر بنزین به اندازه بیشتری (برای مثال یک دلار یا شصت هزار تومان) به شاخص مورد نظر می‌افزاید؛ در حالی که در حقیقت، در هر دو کشور کالای یکسانی در اقتصاد تولید شده است. بنابراین، برای تصحیح تولید ناخالص داخلی، بهتر است آثار قیمت‌گذاری‌های دولتی لحاظ شود.

جدول ۴. نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران (هزار میلیارد تومان)

عنوان	مرجع	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
مجموع درآمدهای مالیاتی	محاسبات پژوهش	۱۶۳	۱۹۵	۲۲۹	۲۵۸	۳۲۸	۳۵۱	۵۰۹	۷۷۰	۱,۲۱۶	۱,۹۲۴
تولید ناخالص داخلی	مرکز آمار	۱,۲۵۵	۱,۲۱۸	۱,۴۹۱	۱,۷۹۷	۲,۵۹۹	۳,۵۳۸	۵,۴۸۴	۹,۲۹۰	۱۴,۲۲۵	۱۹,۳۶۹
	بانک مرکزی	۱,۲۰۰	۱,۱۸۰	۱,۳۹۳	۱,۶۱۹	۲,۰۹۳	۲,۶۴۷	۳,۹۷۹	۶,۵۲۶	۱۰,۱۸۲	۱۳,۹۲۴
یارانه‌های پنهان انرژی	سازمان برنامه و بودجه						۵۹۹	۱,۵۲۲	۱,۲۲۰	۲,۲۸۵	۴,۳۲۴
نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی	مرکز آمار	۱۳.۰	۱۶.۰	۱۵.۴	۱۴.۴	۱۲.۶	۹.۹	۹.۳	۸.۳	۸.۵	۹.۹
	بانک مرکزی	۱۳.۶	۱۶.۵	۱۶.۴	۱۶.۰	۱۵.۷	۱۳.۲	۱۲.۸	۱۱.۸	۱۱.۹	۱۳.۸
	مرکز آمار (با لحاظ یارانه‌های پنهان انرژی)						۸.۵	۷.۳	۷.۳	۷.۴	۸.۱

مأخذ: همان.

یادداشت: در این محاسبه، تولید ناخالص داخلی از دو مرجع مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به دست آمده است. سازمان برنامه و بودجه کشور ارزش یارانه‌های پنهان را برای سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ محاسبه کرده؛ در نتیجه، تولید ناخالص داخلی با تصحیح یارانه‌های پنهان برای این سال‌ها هم محاسبه شده است. با استفاده از این سه شاخص از تولید ناخالص داخلی، نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به صورت جداگانه برآورد شده است.

در اقتصاد ایران، انرژی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که قیمت‌گذاری دستوری در آن ممکن است باعث ایجاد خطا در محاسبه تولید ناخالص داخلی و در پی آن مقایسه نسبت مالیات به تولید با سایر کشورها شود. بنابراین، با برآورد ارزش یارانه‌های پنهان انرژی، می‌توان شاخص تولید ناخالص داخلی را تصحیح کرد. سازمان برنامه و بودجه کشور ابعاد یارانه‌های پنهان را برای سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ تخمین زده است. در این برآوردها، مقدار یارانه پنهان انرژی (شامل بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، گاز مایع، سوخت جت، گاز طبیعی و برق) محاسبه شده که در سطر چهارم جدول ۴ نشان داده شده است.

بنابراین، در نهایت سه دنباله زمانی از تولید ناخالص داخلی ایران در دسترس است:

۱. برآورد مرکز آمار ایران،

۲. برآورد بانک مرکزی،

۳. برآورد مرکز آمار ایران با تصحیح یارانه‌های پنهان انرژی.

در نتیجه، با استفاده از این سه دنباله، سه دنباله از نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. در سه سطر انتهایی جدول ۴، این نسبت‌ها محاسبه و نمایش داده شده است.

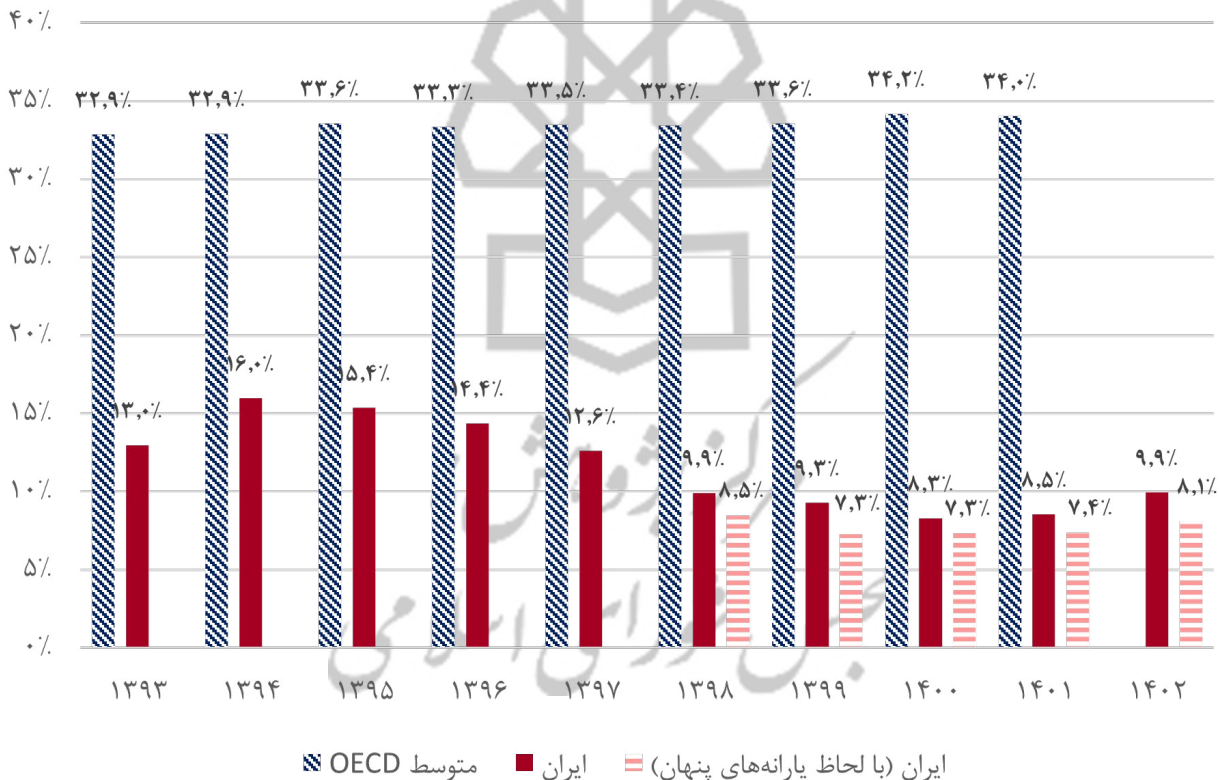
با توجه به نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی با برآورد مرکز آمار ایران در جدول ۴، در سه سال پایانی، این نسبت به ترتیب ۸.۳ درصد، ۸.۵ درصد و ۹.۹ درصد بوده است. در این محاسبه، از درآمدهای مالیاتی، منظور مجموع مالیات‌ها، پرداخت‌های تأمین اجتماعی و عوارض دریافت شده توسط شهرداری‌هاست. با برآورد بانک مرکزی از تولید ناخالص داخلی، همین شاخص در هر سال در حدود ۳.۵ واحد درصد بیشتر است؛ یعنی به ترتیب ۱۱.۸ درصد، ۱۱.۹ درصد و ۱۳.۸ درصد. در نهایت، با در نظر گرفتن یارانه‌های پنهان، شاخص در هر سال نزدیک به ۱ واحد درصد کاهش پیدا می‌کند. البته، با افزایش سهم یارانه‌های پنهان از تولید ناخالص داخلی، این فاصله بیشتر می‌شود؛ به طوری که در سال ۱۴۰۲، نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی با لحاظ یارانه‌ها برابر ۸.۱ درصد است که ۱.۸ واحد درصد کمتر از همین شاخص بدون لحاظ یارانه‌هاست.

با توجه به آنچه در مقدمه بیان شد، صرف آگاهی از اندازه شاخص نمی‌تواند دلالت‌های مستقیمی در تعیین راهبردهای اقتصادی کشور داشته باشد. در نتیجه، برای سنجش بهتر، این شاخص با متوسط کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مقایسه می‌شود. شکل ۱ این مقایسه را برای سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ انجام می‌دهد. البته، تا زمان نگارش، عملکرد درآمدهای مالیاتی کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه برای سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) منتشر نشده است. هر چند، با توجه به روند تغییرات شاخص در سال‌های گذشته، انتظار تفاوت ملموسی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال‌های پیش از آن نمی‌رود.

همان‌طور که در شکل دیده می‌شود، نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی در کشور ما بسیار کوچک‌تر از این نسبت در متوسط کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه است. به‌طور مشخص، در سال‌های گذشته، نسبت مالیات به تولید در متوسط سازمان بیش از ۳۳ درصد بوده؛ در حالی که در ایران، این نسبت کمتر از ۱۰ درصد بوده است. به عبارت دیگر، سهم دولت از اقتصاد در کشور ما به‌طور متوسط کمتر از یک سوم آن در کشورهای سازمان بوده است. بنابراین، با توجه به مقدمه، از آنجا که دولت‌ها کالاها و خدماتی را ارائه می‌دهند که به‌طور معمول توسط بازار فراهم نمی‌شود، این فاصله رفاه از دست‌رفته بزرگی را برای مردم کشور ما نسبت به کشورهای سازمان رقم زده است. به عبارت دیگر، با افزایش بیش از سه‌برابری درآمدهای مالیاتی در کشور ما و تأمین خدمات عمومی از این منبع، رفاه جامعه به شکل معناداری افزایش پیدا خواهد کرد. در نتیجه، توصیه سیاستی کلان این پژوهش افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی تا نزدیکی ۳۰ درصد است.

همان‌طور که در شکل ۱ دیده می‌شود، در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی در کشور ما بیش از ۱۳ درصد بوده است. در ادامه و در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، این نسبت رو به کاهش بوده؛ تاجایی که در سال ۱۴۰۰، به ۸.۳ درصد رسیده است. پس از آن، در دو سال انتهایی، این نسبت یک روند افزایشی را در پیش گرفته و در سال ۱۴۰۲ به ۹.۹ درصد رسیده است. در بازه بررسی شده، مقدار بیشینه شاخص با ۱۶.۰ درصد در سال ۱۳۹۴ اتفاق افتاده است. بنابراین، برای اینکه مالیات به تولید ناخالص داخلی به بیشینه خود در دهه گذشته برگردد، آخرین نسبت محقق شده باید نزدیک به ۶۰ درصد افزایش پیدا کند. حتی در سال ۱۳۹۴، نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی کشور کمتر از نیمی از شاخص متناظر در متوسط کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه بوده است. همچنین در شکل، نسبت مالیات به تولید با لحاظ یارانه‌های پنهان در پنج سال گذشته نشان داده شده است.

شکل ۱. نمودار نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران و متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه



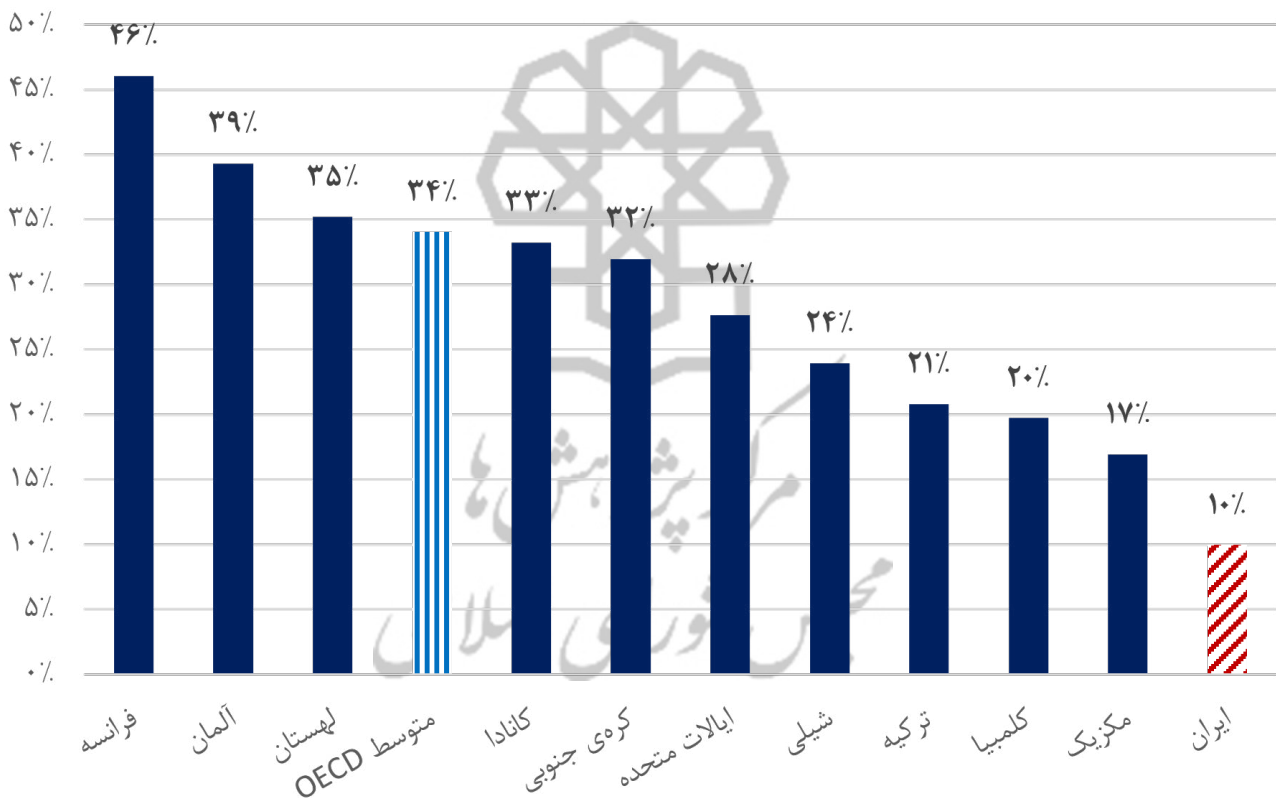
مأخذ: یافته‌های پژوهش.

یادداشت: از متوسط، منظور متوسط غیروزن دار است. ستون‌های پرنگ نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی را در ایران با استفاده از تولید ناخالص داخلی گزارش شده توسط مرکز آمار ایران نشان می‌دهد. برای سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲، سازمان برنامه و بودجه کشور ارزش یارانه‌های پنهان را برآورد کرده که با استفاده از آن، نسبت تصحیح شده مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی با گزارش مرکز آمار محاسبه شده است. در زمان نگارش، داده‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه برای سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳) منتشر نشده است.

در یک مقایسه دیگر، شکل ۲ نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی را در ایران برای سال ۱۴۰۲ در کنار چند کشور سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و متوسط آنها در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. کشورهای انتخاب شده از بین کشورهای با سطح درآمدی متنوع، موقعیت‌های مختلف و فرهنگ‌های گوناگون هستند. به عنوان مثال، ایالات متحده یکی از کشورهای با بالاترین درآمد سرانه را دارد؛ اما در کلمبیا، این شاخص به درآمد در کشور مانزدیک است. در سمت دیگر، کشوری مانند آلمان در اروپا، کره جنوبی در آسیا، کانادا در آمریکای شمالی و شیلی در آمریکای جنوبی واقعند. این شکل نشان می‌دهد در مقایسه‌ای که با کشورهای جهان انجام می‌شود، هر چند این کشورها تفاوت‌های زیادی باهم دارند، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور ما فاصله بسیاری تا هر کدام از آنها دارد. در بین کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، فرانسه با ۴۶ درصد بیشترین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی را دارد؛ در حالی که مکزیک با ۱۷ درصد دارای پایینترین نسبت است. بنابراین، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور ما باید نزدیک به ۷۰ درصد افزایش یابد تا به پایینترین نسبت در بین کشورهای سازمان برسد. همچنین، نسبت مالیات به تولید در کلمبیا ۱۷ درصد، در ترکیه ۲۱ درصد و در شیلی ۲۴ درصد است که در مقایسه با کشور ما، هر کدام نزدیک به دو برابر یا بیش از آن است. علاوه بر این، با توجه به شکل، به تقریب می‌توان گفت که هر چه درآمد سرانه در یک کشور بیشتر باشد،

نسبت مالیات به تولید هم در آن بالاتر است. البته، این رابطه الزاماً علی نیست و عواملی مانند نهادها و ساختارهای قوام‌یافته‌تر می‌تواند منشأ مشترکی برای دو پدیده باشد. همچنین، بدون شک ترجیحات اجتماعی و فرهنگی کشورها هم در انتخاب سطح دلخواه مالیات به تولید مؤثر است. برای مثال، کشورهای اروپایی در مقایسه با آمریکای شمالی ترجیح بیشتری برای گسترش ابعاد دولت دارند.

شکل ۲. نمودار نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران و کشورهای جهان



مأخذ همان.

یادداشت: از متوسط، منظور متوسط غیروزن‌دار همه کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه است. در ایران، نسبت برای سال ۱۴۰۲ و در کشورهای سازمان، برای سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) است.

در نهایت، قانون برنامه هفتم پیشرفت در ماده (۲۶) اشاره می‌کند که تا پایان مهلت این برنامه، یعنی سال ۱۴۰۷، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی باید به ۱۰ درصد برسد [۱۴]. البته، نسبت گفته شده در قانون فقط شامل درآمدهای دریافتی توسط سازمان امور مالیاتی کشور و گمرک جمهوری اسلامی ایران است و مشارکت‌های اجتماعی و درآمدهای شهرداری‌ها در آن محسوب نمی‌شود. با کنار گذاشتن این ردیف‌ها از جدول ۳ مجموع درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۲ به ۸۹۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد که معادل نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی ۴٫۶ درصد است. بنابراین، با فرض گام‌های برابر در بازه پنج‌ساله تا پایان برنامه هفتم، این نسبت باید سالیانه نزدیک به ۱٫۱ واحد درصد افزایش پیدا کند. در جدول ۵ نسبت‌های مالیات به تولید لازم در سال‌های برنامه هفتم پیشرفت پیش‌بینی شده است. سطر دوم جدول نشان می‌دهد که با فرض تولید ناخالص داخلی ۱۴۰۲، این نسبت معادل چه مقدار درآمد مالیاتی خواهد بود. بدیهی است که با رشد اسمی اقتصادی، که حاصل برآیند رشد اقتصادی و تورم است، پیش‌بینی لازم از درآمدهای مالیاتی در هر سال به همان میزان افزایش پیدا خواهد کرد.



جدول ۵. پیش‌بینی تغییرات لازم در نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی برای دستیابی به هدف‌گذاری برنامه هفتم پیشرفت

سال					
۱۴۰۷	۱۴۰۶	۱۴۰۵	۱۴۰۴	۱۴۰۳	۱۴۰۲
نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی					
۱۰,۰٪	۸,۹٪	۷,۸٪	۶,۸٪	۵,۷٪	۴,۶٪
درآمدهای مالیاتی با فرض تولید ناخالص داخلی ۱۴۰۲ (هزار میلیارد تومان)					
۱,۹۳۷	۱,۷۲۹	۱,۵۲۰	۱,۳۱۲	۱,۱۰۴	۸۹۵

مأخذ: همان.

یادداشت: از درآمدهای مالیاتی، منظور مجموع درآمدهای سازمان امور مالیاتی کشور و مالیات بر واردات است و مشارکت‌های اجتماعی و درآمدهای شهرداری‌ها در آن لحاظ نمی‌شوند.

در بخش بعد، مجموع درآمدهای مالیاتی تفکیک می‌شوند تا وضعیت تکمیل هر پایه نسبت به متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه سنجیده شود.

۵. درآمدهای پایه‌های مالیاتی در ایران و جهان

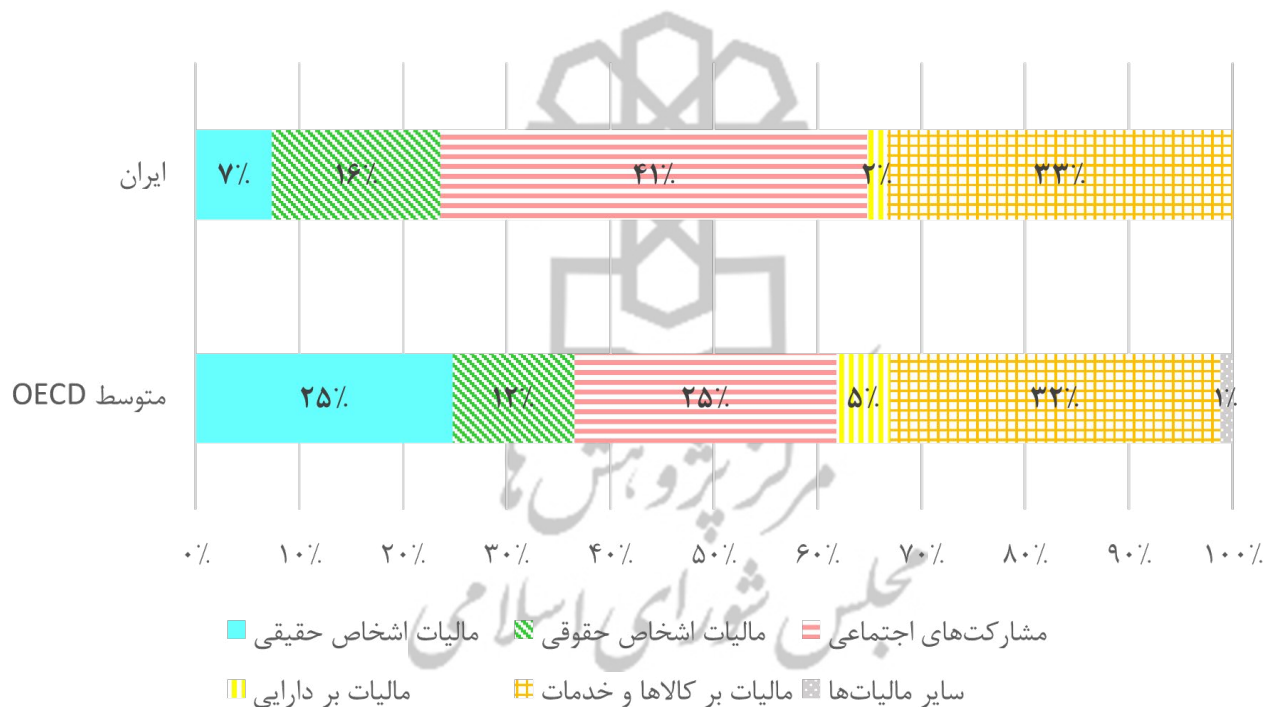


در این بخش، بررسی‌ها به تفکیک پایه‌های مالیاتی انجام می‌شود. در واقع، آنچه به‌طور کلی درآمدهای مالیاتی نامیده می‌شود، متشکل از اجزایی است که عملکرد هر کدام به‌صورت جداگانه می‌تواند تحلیل شود. در یک مقایسه، شکل ۳ سهم پایه‌های درآمدی را از مجموع درآمدهای مالیاتی در ایران و متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد. در این شکل، سهم‌ها برای اقتصاد ایران مربوط به سال ۱۴۰۲ و برای متوسط سازمان، مربوط به سال ۱۴۰۱ است.

همان‌طور که دیده می‌شود، در متوسط کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، بیشترین سهم از درآمدهای مالیاتی به مالیات بر کالاها و خدمات با ۳۲ درصد اختصاص دارد. پس از آن، مشارکت‌های اجتماعی و مالیات اشخاص حقیقی هر دو با نزدیک ۲۵ درصد اجزای مهم هستند. در مقابل در کشور ما، مشارکت‌های اجتماعی با ۴۱ درصد از درآمدهای مالیاتی در رده نخست قرار دارد؛ در حالی که مالیات بر کالاها و خدمات با ۳۳ درصد در جایگاه دوم و مالیات اشخاص حقوقی با ۱۶ درصد در رتبه سوم است. همچنین، به‌نظر می‌رسد در مقایسه با متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، سهم مالیات اشخاص حقیقی در ایران بسیار کوچک است.

باین‌حال، با محدود کردن بررسی به این مقایسه، ممکن است تجویزهای نادرستی درباره راهبرد نظام مالیاتی کشور به ذهن برسد. برای مثال، ممکن است به‌نظر بیاید که در ایران، مشارکت‌های اجتماعی یا مالیات اشخاص حقوقی بیش از حد بزرگ هستند و برای رسیدن به حالت مطلوب، باید از این دو پایه مالیاتی کم شود. این در حالی است که در این مقایسه، سهم‌ها از مجموع درآمدهای مالیاتی سنجیده شده است؛ در حالی که همان‌طور که در بخش قبل به آن پرداخته شد، خود این مجموع نسبت به اندازه اقتصاد در ایران بسیار کوچک‌تر از متوسط آن در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه است. بنابراین، مقایسه درست‌تر بررسی نسبت درآمدهای هر پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است.

شکل ۳. نمودار سهم درآمدهای پایه‌های مالیاتی از مجموع درآمدهای مالیاتی در ایران و متوسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه

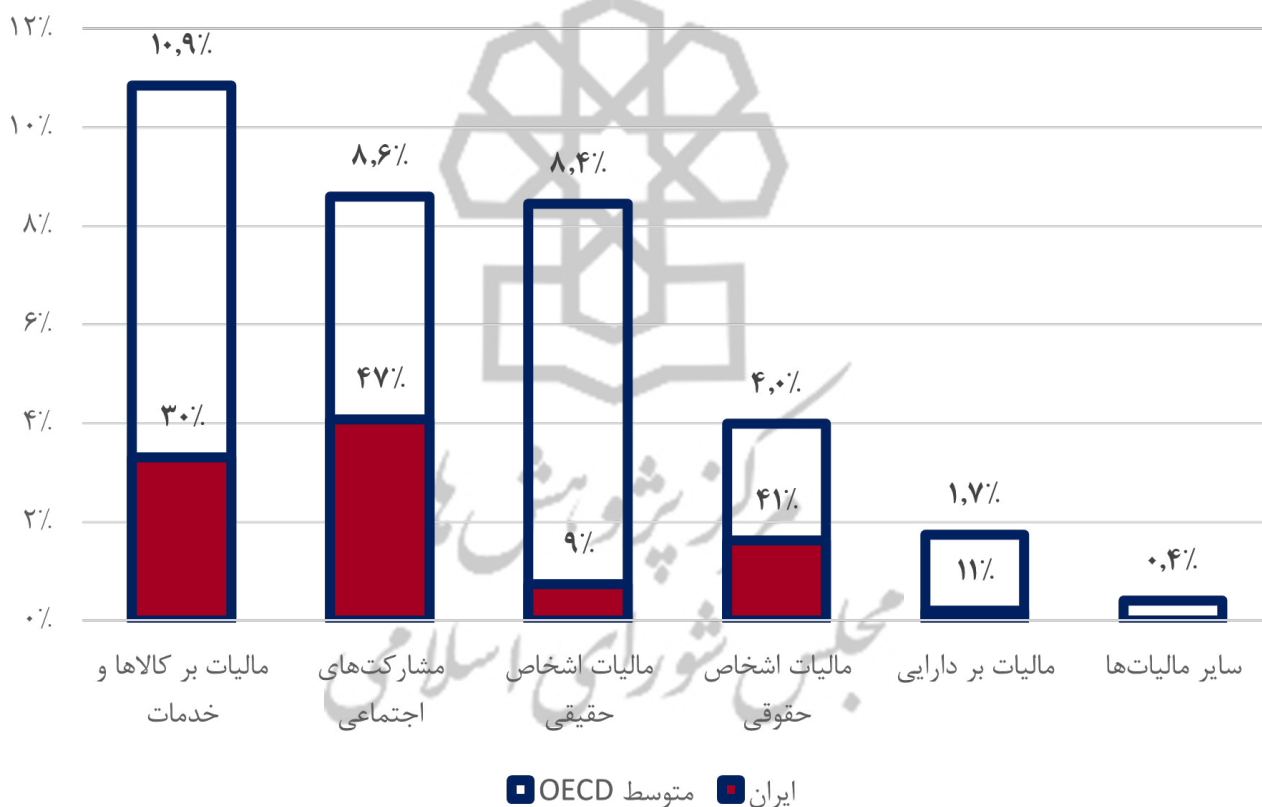


مأخذ: همان.

یادداشت: از متوسط، منظور متوسط غیروزن دار است. در ایران، سهم‌ها برای سال ۱۴۰۲ و در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، برای سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) است.

با توضیحاتی که در مقدمه بیان شد، نسبت مطلوب درآمدها به تولید ناخالص داخلی را در هر پایه می‌توان نزدیک به متوسط آن در بین کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه فرض کرد. با این حساب، شکل ۴ نسبت درآمد مطلوب هر پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و درصد تکمیل آن را در ایران نشان می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود، درآمدهای واصل شده از همه پایه‌های مالیاتی در ایران بسیار کوچک‌تر از حد مطلوب است. بیشترین مقدار تکمیل مربوط به مشارکت‌های اجتماعی با ۴۷ درصد و مالیات بر اشخاص حقوقی با ۴۱ درصد است. با این حال، در همین دو پایه هم همچنان کمتر از نیمی از درآمد مطلوب محقق شده است. در طرف مقابل، بیشترین عقب‌افتادگی مربوط به مالیات بر اشخاص حقیقی است. در حالی که در دنیا ۸.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی به شکل این مالیات دریافت می‌شود، در ایران فقط ۹ درصد از این مقدار تکمیل شده است؛ یعنی برای دستیابی به مقدار مطلوب با همین اندازه اقتصاد، دریافتی دولت از مالیات بر اشخاص حقیقی باید بیش از ۱۰ برابر شود. در سمت دیگر، مالیات بر دارایی هم با تکمیل ۱۱ درصدی از سطح مطلوب عملکرد مساعدی ندارد. از نظر عقب‌افتادگی، مالیات بر کالاها و خدمات با ۳۰ درصد در جایگاه بعدی قرار دارد.

شکل ۴. نمودار نسبت مطلوب در آمد هر پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و درصد تکمیل آن در ایران



مأخذ: همان.

یادداشت: از متوسط، منظور متوسط غیروزن دار است. با توجه به بخش مقدمه، نسبت مطلوب در آمد هر پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ایران برابر متوسط همین شاخص در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه فرض شده است. عدد بالای هر ستون نسبت در آمد پایه مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در سازمان است. عدد درون هر ستون درصد تکمیل در آمد پایه مالیاتی در ایران از نسبت مطلوب است. برای مثال، مقدار مطلوب مالیات بر کالاها و خدمات در ایران برابر ۱۰٫۹ درصد از تولید ناخالص داخلی است؛ در حالی که در سال ۱۴۰۲، نسبت تحقق یافته در ایران فقط ۳٫۳ درصد بوده که نشان دهنده تکمیل ۳۰ درصدی از نسبت مطلوب است. در ایران، نسبت‌ها برای سال ۱۴۰۲ و در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، برای سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲) است.

در این بین، می‌توان به یک واقعیت توجه کرد. از طرفی، عمده حق بیمه‌های پرداخت شده به صندوق‌های بازنشستگی هنگام پرداخت حقوق و دستمزد توسط کارفرما به کارکن محاسبه و دریافت می‌شود. از طرف دیگر، همین بستر پایه دریافت مالیات از حقوق کارکنان است. بنابراین، ممکن است این سؤال در ذهن شکل بگیرد که چرا پرداختی‌های مربوط به مشارکت‌های اجتماعی در ایران نسبت به ردیف‌های مالیاتی با پایه‌های مشترک از تحقق بسیار بیشتری برخوردار است؟ هر چند پاسخ به این سؤال نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد، به طور کلی، **پلکان‌های مالیاتی** را می‌توان به عنوان یک فرضیه مطرح کرد. اولاً، در قانون بودجه هر ساله سقف مشخصی از حقوق پرداختی مشخص می‌شود که تا آن سطح، همه مؤدیان از پرداخت مالیات معاف‌اند. این همان پله صفرم مالیاتی است. برای مثال، در قانون سال ۱۴۰۲ این سقف به صورت سالیانه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شد که به صورت ماهیانه معادل ۸٫۳ میلیون تومان است. در نتیجه، کارکنانی که در یک ماه کمتر از این مقدار درآمد داشته باشند، موظف به پرداخت مالیات نیستند. این در حالی است که مشارکت‌های اجتماعی در همه سطوح درآمدی برقرارند.

ثانیاً، طبق قانون تأمین اجتماعی، در هر پرداختی بین کارفرما و کارکن یک سهم ۲۰ درصدی از سوی کارفرما، ۷ درصدی از سمت کارکن و ۳ درصدی از طرف دولت پرداخت می‌شود. علاوه بر این، کارفرما موظف است به هدف پوشش بیمه بیکاری، ۳ درصد حق بیمه بیشتر پرداخت کند. بنابراین، در هر قرارداد رایج، مجموعاً ۳۳ درصد مبلغ مورد توافق به عنوان حق بیمه تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. در سمت دیگر، مالیات بر حقوق نرخ‌های بسیار کمتری دارد؛ به طوری که این نرخ فقط در بالاترین سطح درآمدی به ۳۰ درصد می‌رسد. پله‌های پایین‌تر این نرخ ۱۰ درصد، ۱۵ درصد و ۲۰ درصد است که در همه آنها، نرخ مالیاتی پایین‌تر از نرخ مجموع تأمین اجتماعی است. همچنین، بیشتر حقوق‌ها و دستمزدهای توافق شده در پله‌های پایین‌تر نرخ مالیاتی توزیع می‌شوند. در نتیجه، می‌بینیم در کشور ما، پرداخت‌های تأمین اجتماعی بیش از ۴۰ درصد از درآمدهای دولت عمومی را تشکیل می‌دهند.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در اقتصاد هر کشور، دولت کارکردهای ویژه‌ای در تأمین رفاه مردم دارد. این نهاد با ارائه خدمات عمومی مانند حفظ نظم و امنیت، گسترش زیرساخت‌ها، حمایت از محرومین به نمایندگی از جامعه و...، خلأهایی را پر می‌کند که به دلیل شکست بازار، این نظام نامتمرکز توانایی رفع آنها را ندارد. از این لحاظ، خدمات دولتی هم محصولی است که مانند هر محصول دیگری، باید به اندازه مناسب مصرف شود؛ چراکه مصرف کم یا بیش از اندازه آن به نارضایتی افراد از کیفیت زندگی خود منجر خواهد شد. بنابراین، اندازه دولت نسبت به کل فعالیت‌های اقتصادی یک شاخص تعیین‌کننده رفاه جامعه است. همچنین، به نظر می‌رسد در این مسیر، جایگزینی برای مالیات با کارکرد تأمین پایدار منابع دولت وجود ندارد. در نتیجه، از آنجا که مالیات مشخص‌کننده سطح درآمدها و در پی آن، هزینه دولت خواهد بود، می‌توان شاخص نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی را به عنوان معیاری برای سنجش اندازه دولت در مقایسه با اقتصاد در نظر گرفت.

شناخت سطح بهینه نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی به سادگی ممکن نیست. برای الگوگیری می‌توان به تجربه کشورهای رجوع کرد که دوران طولانی‌تری با بده‌بستان تولید عمومی - خصوصی مواجه بوده‌اند؛ در نتیجه، احتمالاً به نسبت‌های مطلوب نزدیک‌تر شده‌اند. اما برای مقایسه، باید تعریف‌های یکسانی از چپستی مالیات ارائه کرد. در این پژوهش، مالیات پرداخت‌های اجباری بدون مابه‌ازایی تعریف شده است که توسط دولت‌های عمومی دریافت می‌شود. با این تعریف، در ایران چهار دسته از نهادها در دریافت مالیات نقش دارند: سازمان امور مالیاتی کشور، صندوق‌های بیمه عمومی، شهرداری‌ها و گمرک جمهوری اسلامی ایران. در ادامه، داده‌های هر کدام از این چهار دسته گردآوری شده است تا با استفاده از آن، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی محاسبه شود.

در ایران، نسبت مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص، شامل مالیات‌ها، پرداخت‌های تأمین اجتماعی و عوارض شهرداری‌ها، در سال ۱۴۰۲ برابر ۹.۹ درصد است. در متوسط کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، این نسبت برای سال ۱۴۰۱ برابر ۳۴.۰ درصد است. بنابراین، درآمدهای مالیاتی و به طور متناظر ظرفیت و توان دولت برای ارائه خدمات عمومی بسیار کمتر از حد بهینه است. حتی اگر مقایسه با کشورهای انجام شود که شباهت بیشتری با کشور ما دارند، نتیجه همچنان برقرار است. برای مثال، مکزیک با ۱۷ درصد، کلمبیا با ۲۰ درصد، ترکیه با ۲۱ درصد و شیلی با ۲۴ درصد کشورهایایی‌اند که از نظر درآمدی یا نهادی تفاوت پررنگی با کشور ما ندارند؛ اما در همه آنها، نسبت مالیات به تولید بسیار بیشتر است.

در طرف دیگر، می‌توان اجزای درآمدهای مالیاتی را به تفکیک بررسی کرد. اگر نسبت مطلوب درآمدها به تولید ناخالص داخلی در هر پایه برابر متوسط آن در بین کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در نظر گرفته شود، در همه پایه‌ها فاصله زیادی تا رسیدن به شرایط مناسب وجود دارد. در ایران، بهترین عملکرد مربوط به مشارکت‌های تأمین اجتماعی و مالیات اشخاص حقوقی است. در مقایسه با سطح



مطلوب، در این دو پایه به ترتیب ۴۷ درصد و ۴۱ درصد از درآمد مطلوب تکمیل شده است. در مقابل، ضعیف‌ترین عملکرد به مالیات اشخاص حقیقی برمی‌گردد؛ جایی که فقط ۹ درصد از سطح بهینه دریافت می‌شود. از منظر عقب‌افتادگی، مالیات بر دارایی و کالاها و خدمات در رده‌های بعدی جای دارند.

در ادامه، به‌عنوان توصیه سیاستی، چند محور اصلی مطرح می‌شود:

● **افزایش درآمدهای مالیاتی دولت:** توصیه اساسی پژوهش حرکت به سمت درآمدهای مالیاتی بیشتر است. در شرایطی که امروز، راه جایگزین پایداری برای تأمین درآمدهای دولت در ایران وجود ندارد، جهت‌گیری کلان‌مالية دولت باید به سمت افزایش درآمدهای مالیاتی باشد. تقویت توان دولت در ارائه خدمات عمومی و به‌کارگیری نیروی انسانی باکیفیت‌تر در حاکمیت برکات زیادی خواهد داشت: از طراحی قوانین بهتر، سیاستگذاری کارآمدتر، اعمال گسترده‌تر حقوق مالکیت، نیروی دفاعی قوی‌تر، بهبود آموزش پایه و عالی، حفظ بهداشت و سلامت عمومی، صیانت از فرهنگ اسلامی و... تا مهار کسری بودجه و در پی آن کاهش تورم که یکی از مسائل حیاتی در اقتصاد امروز کشور است.

● **اولویت‌دهی به مالیات اشخاص حقیقی و مالیات بر دارایی:** همان‌طور که گفته شد، مالیات بر اشخاص حقیقی و مالیات بر دارایی دو پایه‌ای محسوب می‌شوند که بیشترین فاصله را با شرایط مطلوب دارند. در نتیجه، از نگاه سیاستگذاری، توجه به این دو پایه باید در اولویت باشد. همچنین، این دو پایه بیشترین ظرفیت را در برقراری عدالت درآمدی در جامعه دارند. به‌جز این، در شرایطی که در کشور ما، مالیات‌ستانی از اشخاص حقوقی سامان‌یافته‌تر است، ضعف در پایه مالیات اشخاص حقیقی ترویج‌کننده کسب و کارهای خرد و گاه کم‌بازده است. این ترجیح تأثیرات منفی بر رشد و شکوفایی اقتصادی خواهد داشت. جلوگیری از فرارهای مالیاتی مشاغل از رویکردهای سراسر در افزایش درآمدهای این پایه است. علاوه بر این، اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و حرکت به سمت مالیات بر مجموع درآمد یک فرصت ارزشمند در احیای پایه مالیات اشخاص حقیقی در کشور است.

● **افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده و کاهش معافیت‌های کالاها:** از بین پایه‌های مالیاتی، مالیات بر ارزش افزوده پایه‌ای سهل‌الوصول است. در سال ۱۴۰۱، متوسط نرخ این مالیات در بین کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه ۱۹.۲ درصد بوده؛ در حالی که در سال ۱۴۰۲، این نرخ در کشور ما ۹ درصد تعیین شده است [۱۵]. افزایش نرخ این مالیات می‌تواند با چالش کمی، درآمدهای دولت را افزایش دهد. علاوه بر این، می‌توان گستره کالاها را معاف از ارزش افزوده را محدودتر کرد و در مقابل، برای جبران طبقات کم‌برخوردار، از حمایت‌های نقدی یا اعتبارهای مالیاتی استفاده کرد. همچنین، استقرار و فراگیری سامانه مؤدیان می‌تواند به حسابرسی و دریافت هموارتر مالیات بر ارزش افزوده کمک کند.

● **گسترش پوشش بیمه‌های اجتماعی عمومی:** در سال ۱۳۹۸، مجموعاً ۷۲ درصد از جمعیت کل کشور تحت پوشش بیمه‌ها بوده‌اند [۸]. بنابراین، برخلاف مالیات بر ارزش افزوده، نقص اصلی بیمه‌های اجتماعی در ایران نه نرخ پایین آنها، بلکه پوشش ناکافی افراد در سطح کشور است. گسترش چتر بیمه‌های اجتماعی عمومی علاوه بر اینکه منابع بیشتری را برای این حوزه فراهم می‌کند، امکان حمایت بیشتر از افراد آسیب‌پذیر و کاهش نااطمینانی و افزایش رضایت از زندگی را به دنبال دارد.

● **کاهش معافیت‌های اشخاص حقوقی:** درباره شرکت‌ها، تکمیل ناکافی درآمدها نسبت به تولید ناخالص داخلی نه به نرخ پایین یا پوشش محدود، بلکه به‌طور عمده به معافیت‌های مالیاتی متعدد آنها برمی‌گردد. معافیت‌های مربوط به فعالیت‌های تولیدی، معدنی و خدماتی در ماده (۱۳۲) قانون مالیات‌های مستقیم، معافیت هدایا، درآمدها و دریافتی نقدی و غیرنقدی در ماده (۱۳۹) این قانون و معافیت درآمد حاصل از صادرات خدمات و کالاها غیرنفتی در ماده (۱۴۱) آن مهم‌ترین بارهای مالی را در بین معافیت‌ها دارند [۱۵]. علاوه بر کاهش درآمدهای دولت، معافیت‌های مالیاتی گوناگون باعث انحراف فعالیت‌های اقتصادی از انتخاب‌های تولیدی بهینه خواهد شد. بنابراین، یک گام مهم در افزایش درآمدهای مالیاتی کشور سامان‌دهی معافیت‌های مالیاتی اشخاص حقوقی است. اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم

ظرفیت مناسبی را برای این اقدام فراهم می‌کند.

برای ارتقا و تکمیل این پژوهش در سال‌های بعد، احتمالاً می‌توان فهرست جامع‌تری از مالیات‌های دریافت‌شده در ایران تهیه کرد. برای مثال، دریافتی‌های دهیاری‌های کشور، درآمدهایی که از صدور مجوزها توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت به دست می‌آید، درآمدهای مجوزهای سازمان حفاظت از محیط زیست برای انجام فعالیت‌های خاص، بخشی از درآمدهای سازمان ثبت احوال کشور و... از مواردی هستند که ممکن است به جمع مالیات‌ها اضافه شوند. هرچند پیش‌بینی نمی‌شود که درآمدهای مالیاتی این نهادها نسبت به دیگر درآمدهای مالیاتی در کشور چندان چشمگیر باشد؛ اما به هر حال، در نظر داشتن آنها می‌تواند دقت محاسبه مجموع مالیات‌ها را افزایش دهد.

منابع و مآخذ



- [1] U.S. Supreme Court Case, *Compania General de Tabacos de Filipinas v. Collector of Internal*, 275 U.S. 87, [Dissenting opinion by Oliver Wendell Holmes, Jr.], Argued and Submitted Oct. 18, 1927; Decided Nov. 21, 1927.
- [2] EC, IMF, OECD, UN, WB, (2009). "System of National Accounts 2008," United Nations, New York.
- [3] International Monetary Fund, (2014). "Government Finance Statistics Manual 2014," International Monetary Fund, Washington, DC.
- [4] World Bank, "DataBank - Metadata Glossary," Available: <https://databank.worldbank.org/metadataglossary/world-development-indicators/series/GC.TAX.TOTL.GD.ZS>.
- [5] OECD, "Revenue Statistics, Interpretative Guide" (2023).
- [6] "OECD Data Explorer . OECD Data Archive," OECD, Available: <https://data-explorer.oecd.org>.
- [7] «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی مالیاتی»، معاونت پژوهشی مرکز آموزش، پژوهش و برنامه‌ریزی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور، Available: <https://taxresearch.ir>.
- [8] «بحران صندوق‌های بازنشستگی و ضرورت اصلاح»، دفتر بیمه‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰.
- [9] «سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی سال ۱۳۹۸»، مدیریت آمار، اطلاعات و محاسبات سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۹.
- [۱۰] «سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی سال ۱۴۰۲»، مدیریت آمار، اطلاعات و محاسبات سازمان تأمین اجتماعی، ۱۴۰۳.
- [۱۱] «سامانه شفافیت شهرداری تهران»، Available: <https://shafaf.tehran.ir>.
- [۱۲] «مرکز آمار ایران»، Available: <https://amar.org.ir>.
- [۱۳] «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، Available: <https://www.cbi.ir>.
- [۱۴] «قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)».
- [۱۵] «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور (۱۱): درآمدهای مالیاتی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲.

گزیده سیاستی

در ایران، مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی ۹.۹ درصد است؛ در حالی که در متوسط کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، این نسبت به ۳۴.۰ درصد می‌رسد. بنابراین، امروز، افزایش درآمدهای مالیاتی گام مهمی در راستای ارتقای رفاه عمومی در کشور است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۲۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir